

آموزش از راه دور زبان انگلیسی

تحقیق

www.majazionline.ir

خودآموز جامع زبان انگلیسی

English Result

جلد سوم

Intermediate



خود آموز جامع زبان انگلیسی

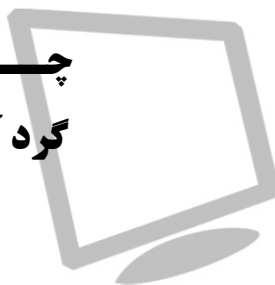
English Result

Intermediate

جلد سوم

چاپ دوم : زمستان ۱۳۹۱

گرد آوری و تالیف : علیرضا معتمد



TahlilGaran.org

| | |
|---------------------|--|
| سرشناسه | : معتمد، علیرضا، ۱۳۵۸ - |
| عنوان و نام پدیدآور | : خودآموز جامع زبان انگلیسی English Result / گردآوری و تالیف علیرضا معتمد. |
| مشخصات نشر | : تهران: تحلیلگران، ۱۳۹۱. |
| مشخصات ظاهری | : ج. ۴؛ ۵×۲۱/۵×۱۴ س.م. |
| شابک | : دوره ۲-۳۲-۳۵-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۱: ۹-۳۳-۳۵-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۲: ۶-۳۴-۳۵-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸ ج. ۳: ۳-۳۵-۳۵-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۴: ۴-۳۶-۳۵-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸ |
| وضعیت فهرست نویسی | : فیبا |
| یادداشت | : فارسی - انگلیسی. |
| یادداشت | : واژه‌نامه. |
| یادداشت | : کتابنامه. |
| موضوع | : زبان انگلیسی -- کتاب‌های درسی برای خارجیان -- فارسی |
| موضوع | : زبان انگلیسی -- دستور -- خودآموز |
| موضوع | : زبان انگلیسی -- واژگان -- راهنمای آموزشی |
| موضوع | : زبان انگلیسی -- خودآموز |
| رده بندی کنگره | : ۱۳۹۱ ۸۸خ۶۴م/۱۱۲۸PE |
| رده بندی دیویی | : ۴۲۸/۲۴ |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۲۸۹۴۹۸۰ |

تهران، میدان ونک، خیابان گاندی هجدهم،
پلاک ۱۸، واحد ۲ تلفن: ۸۰۸۰۱۲۳۳
سایت اینترنت: www.TahlilGaran.org
پست الکترونیک: info@TahlilGaran.org



نام کتاب: خودآموز جامع زبان انگلیسی **English Result** - جلد سوم

گردآوری و تالیف: علیرضا معتمد

چاپ دوم: زمستان ۱۳۹۱

قطع رقعی: ۷۶ صفحه

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک دوره: ۲-۳۲-۳۵-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

شابک: ۳-۳۵-۳۵-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

بها: ۳۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است و هرگونه نسخه برداری از آن پیگرد قانونی دارد.

مقدمه ناشر :

کتابهای آموزشی زبان انگلیسی English Result، جدیدترین محصول آموزشی انتشارات دانشگاه آکسفورد بوده که جهت آموزش زبان انگلیسی به نوجوانان و جوانان غیر انگلیسی زبان، بصورت کاربردی و با شیوه ای نوین طراحی شده است. هر درس شامل مجموعه ای از لغات جدید به همراه نکات گرامری، شیوه تلفظ صحیح و ... بوده و موجب افزایش مهارتهای چهارگانه زبان انگلیسی (خواندن، نوشتن، مکالمه و درک مطلب شنیداری) می گردد.

یکی از نکات برجسته درسهها، استفاده از زبان محاوره واقعی با اقتباس از زندگی مردم انگلیسی زبان در کنار آموزشهای آکادمیک می باشد. از طرف دیگر بیان موضوعاتی از قبیل خرید کردن، تاکسی گرفتن، سفارش غذا در رستوران و ... مواردی از کاربرد زبان انگلیسی در زندگی روزمره بوده که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

کتاب حاضر مجموعه ای از نکات گرامری به همراه واژگان جدید و راهنمای تلفظ لغات هر درس از کتابهای انگلیش ریزالت می باشد که در چهار جلد ویژه هر سطح ارایه شده و می تواند به عنوان کتاب راهنما و خودآموز زبان انگلیسی در کنار کتابهای اصلی انگلیش ریزالت مورد استفاده قرار گیرد.

به یاد داشته باشید که تکرار و برنامه ریزی، کلید موفقیت شما در آموختن هر زبان جدید می باشد.

موفق باشید

علیرضا معتمد

موسس و مدیر مسئول



فهرست مطالب :

- | | | |
|----|--|--------|
| ۶ | ✓ جملات پرسشی با WH ✓ ضمایر انعکاسی ✓ افعال حرکتی و غیر حرکتی | درس ۱. |
| ۱۰ | ✓ حرف تعریف معین the ✓ قید تکرار | درس ۲. |
| ۱۳ | ✓ کاربرد used to ✓ زمان حال کامل ✓ افعال دو جزئی | درس ۳. |
| ۱۹ | ✓ صفت تفضیلی ✓ صفت عالی ✓ کاربرد as ... as در تشابه صفتها ✓ کاربرد as ... as در تشابه قیدها ✓ ضمایر ربطی | درس ۴. |
| ۲۸ | ✓ کاربرد can, must, have to ✓ جملات معلوم و مجهول ✓ زمان گذشته کامل | درس ۵. |
| ۳۴ | ✓ کاربرد مصدر ✓ کاربرد اسم مصدر ✓ نقل قول مستقیم و غیر مستقیم | درس ۶. |

| | | |
|----|--|---------------------|
| ۳۹ | <ul style="list-style-type: none"> ✓ عبارتهای اسمی ✓ کاربرد زمان حال استمراری در آینده ساده ✓ کاربرد must, might, can't در نتیجه گیری | درس ۷. |
| ۴۴ | <ul style="list-style-type: none"> ✓ افعال دو جزئی ✓ کاربرد can, be able to, managed to ✓ کاربرد نقل قول غیر مستقیم | درس ۸. |
| ۴۹ | <ul style="list-style-type: none"> ✓ جملات پرسشی ضمیمه ✓ زمان آینده کامل ✓ جملات شرطی حقیقی و غیر حقیقی نوع اول و دوم | درس ۹. |
| ۵۶ | <ul style="list-style-type: none"> ✓ کاربرد Quantifiers ✓ کاربرد too, enough ✓ زمان حال کامل استمراری | درس ۱۰. |
| ۶۱ | <ul style="list-style-type: none"> ✓ جملات پرسشی غیر مستقیم ✓ کاربرد جملات سببی ✓ ضمایر ربطی | درس ۱۱. |
| ۶۶ | <ul style="list-style-type: none"> ✓ بیان هدف و نتیجه ✓ کاربرد wish ✓ کاربرد clause ها ✓ جملات شرطی غیر حقیقی نوع سوم | درس ۱۲. |
| ۷۱ | | فهرست موضوعی واژگان |
| ۷۶ | | فهرست منابع و مراجع |

Unit 1

Grammar

☑ جملات پرسشی با WH :

کلمات پرسشی با WH جهت پرسیدن اطلاعات بیشتر در خصوص جمله بکار می روند. عمده ترین کلمات پرسشی عبارتند از:

Who به معنی چه کسی :

Who is your boss?

When به معنی چه وقت :

When did she call?

What به معنی چه چیز یا چه کس :

What's your name?

Why به معنی چرا :

Why are we waiting?

Where به معنی کجا :

Where does he live?

توجه: اگر کلمات پرسشی با WH در حالت فاعل قرار گیرند، کفایت جای فاعل را با آن عوض کرده و جمله را در حالت پرسشی ادا نماییم. مثال:

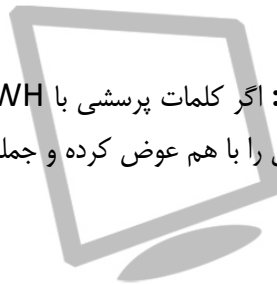
Julie lives here.

► Who lives here?

توجه: اگر کلمات پرسشی با WH در حالت غیر فاعل قرار گیرند، کفایت جای فعل و فاعل را با هم عوض کرده و جمله را در حالت پرسشی ادا نماییم. مثال:

I called my sister.

► Who did you call?



Jim was talking to his brother-in-law.

► **Who** was Jim talking to?

I saw Ali yesterday.

► **When** did you see Ali?

☑ ضمایر انعکاسی :

ضمایر انعکاسی برای انعکاس کار انجام شده به فاعل جمله بکار می روند. این ضمایر عبارتند از:

myself yourself himself herself itself
ourselves yourselves themselves

مثال:

My sister made **herself** sick from eating so much.

خواهرم با خوردن بیش از حد، خودش را مریض کرد

توجه : ترکیب **by** با ضمایر انعکاسی مفهوم **(به تنهایی)** می دهد. مثال:

I made it **by myself**.

من به تنهایی آنرا ساختم.

☑ افعال حرکتی و غیر حرکتی :

افعال حرکتی یا **action verbs** افعالی هستند که صورت گرفتن عملی را نشان می دهند. مانند: دویدن، راه رفتن، نوشتن و ...

افعال غیر حرکتی یا **state verbs** افعالی هستند که برای نشان دادن حالتی بکار می روند. مانند متنفر بودن، دوست داشتن، ترجیح دادن و ...

مهمترین افعال غیر حرکتی عبارتند از :

Thinking & opinions: believe, feel, hate, know, like, love, prefer, think, understand, want

Sense: appear, feel, look, seem, smell, sound, taste

توجه : افعال غیر حرکتی معمولاً بصورت استمراری (ing دار) بکار برده نمی شوند.
مثال:

I feel cold.

I see her.

David likes art and music.

Phil and Julie have three children.



📌 Vocabulary

| | | | |
|------------------------|---------------------------|-------------------------|------------------------|
| acquaintance | <i>/'ækweɪntəns/</i> | myself | <i>/'maɪ'self/</i> |
| actually | <i>/'æktʃʊəli/</i> | nephew | <i>/'nefjuː/</i> |
| address | <i>/'ædres/</i> | niece | <i>/'niːs/</i> |
| bow | <i>/bəʊ/</i> | ourselves | <i>/'ɑː'selvz/</i> |
| (brother)-in-law | <i>/'brʌðə(r)mlɔː/</i> | passion | <i>/pæʃn/</i> |
| colleague | <i>/'kɒliːg/</i> | related to | <i>/'rɪ'leɪtɪd tə/</i> |
| communicate | <i>/'kɒm'juːnɪkeɪt/</i> | shake hands | <i>/'ʃeɪk hænz/</i> |
| contribute | <i>/'kɒn'trɪbjʊt/</i> | situation | <i>/'sɪtʃu'eɪʃn/</i> |
| cousin | <i>/'kʌzɪn/</i> | step-(father) | <i>/'stepfɑːðə(r)/</i> |
| discussion group | <i>/'dɪs'kʌʃn grʊːp/</i> | themselves | <i>/'ðem'selvz/</i> |
| divorced | <i>/'dɪ'vɔːst/</i> | topic | <i>/'tɒpɪk/</i> |
| each other | <i>/'iːtʃ'ʌðə(r)/</i> | uncle | <i>/'ʌŋkl/</i> |
| ex-(wife) | <i>/'eks waɪf/</i> | wave | <i>/weɪv/</i> |
| exit | <i>/'eksɪt/</i> | widow | <i>/'wɪdəʊ/</i> |
| guess | <i>/ges/</i> | widower | <i>/'wɪdəʊə(r)/</i> |
| herself | <i>/hɜː'self/</i> | yourself | <i>/'jɔː'self/</i> |
| himself | <i>/hɪm'self/</i> | yourselves | <i>/'jɔː'selvz/</i> |
| hopes | <i>/həʊpz/</i> | | |
| hug | <i>/hʌg/</i> | | |
| introduce | <i>/'ɪntrə'djuːs/</i> | | |
| kiss | <i>/kɪs/</i> | | |
| misunderstand | <i>/'mɪsʌndə'stænd/</i> | | |
| misunderstanding | <i>/'mɪsʌndə'stændɪŋ/</i> | | |
| at the back | | in the middle | |
| at the front | | Oh, I see! | |
| behind | | on the left | |
| Greetings. | | on the right | |
| Hi. I'm ... | | Pardon? | |
| I don't understand | | Pleased to meet you. | |
| I meant ... | | Sorry, I misunderstood. | |
| I thought you said ... | | to the left | |
| in front | | to the right | |

Unit 2

Grammar

حرف تعریف معین :

the حرف تعریف معین بوده و ماقبل اسامی که برای مخاطب مشخص باشد بکار می رود. حرف تعریف the قبل از اسامی مفرد و جمع می تواند بکار برده شود. مثال:

The window (همان پنجره (که می شناسی)

a window ای پنجره

حرف تعریف معین the در موارد زیر بکار می رود:

۱ - قبل از اسامی رشته کوه ها، رودخانه ها، اقیانوس ها، دریاها، مجموعه جزایر، بیابان و...

۲ - قبل از اسامی روزنامه ها، شرکتهای دولتی و ملی، پست سازمانی و ...

۳ - قبل از نام کشورهایی که ترکیبی از چند لغت باشند.

۴ - قبل از اسامی ترتیبی مانند اول، دوم و ...

۵ - قبل از صفات عالی

۶ - قبل از اسامی منحصر به فرد مانند ماه، خورشید، زمین و ...

مثال:

the Andes, the River Seine, in the Middle East

The New York Time, The United Nation, the managing director

The United Kingdom

The first of March

The best

The moon, the North Pole

توجه: بنابراین حرف تعریف معین در مواردی از قبیل اسامی خاص، کوه های منفرد،

مناطق، کشورها، جزیره های منفرد، شهر و دریاچه و .. بکار نمی رود. مثال:

She lives in Western Australia.
 They climbed Mount Everest.
 France is in Europe.
 President Obama

☑ قید تکرار:

قید تکرار برای نشان دادن تکراری بودن عملی در جمله بکار می رود. مهمترین قیود تکرار عبارتند از:

always: به معنی همیشه - ۱۰۰٪ مواقع

usually: به معنی اغلب - ۹۰٪ مواقع

often: به معنی گاهی - ۸۰٪ مواقع

quite often: به معنی گاهی - ۷۰٪ مواقع

sometimes: به معنی بعضی وقتها - ۵۰٪ مواقع

hardly / rarely / seldom: به معنی به ندرت - ۱۰٪ مواقع

never: به معنی هیچوقت - ۰٪ مواقع

توجه: قید تکرار همیشه قبل از فعل اصلی و بعد از فعل کمکی (مانند am, is, are) بکار می رود. مثال:

Janet **usually** goes abroad on her holidays.

I've **never** been on a plane.

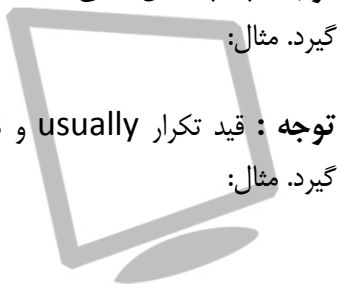
توجه: چنانچه فعل اصلی جمله، ترکیبات to be باشد، قید تکرار بعد از آن قرار می گیرد. مثال:

She's **rarely** late.

توجه: قید تکرار usually و sometimes می تواند در ابتدای جمله نیز قرار گیرد. مثال:

Sometimes I work in an office.

Usually he works in a store.



📌 Vocabulary

| | | | |
|-----------------------|-------------------|-------------------------|---------------|
| after | /'ɑ:ftə(r)/ | museum | /mju:'ziəm/ |
| always | /'ɔ:lweɪz/ | narrow | /'nærəʊ/ |
| background | /'bækgraʊnd/ | nationality | /næʃə'næləti/ |
| before | /'bɪ:fə:(r)/ | object | /'ɒbdʒekt/ |
| continent | /'kɒntɪnənt/ | oh | /əʊ/ |
| curved | /kɜ:vɪd/ | rarely | /'reəli/ |
| custom | /'kʌstəm/ | region | /'ri:dʒn/ |
| during | /'dʒʊərɪŋ/ | religion | /'ri:lɪdʒən/ |
| environment | /ɪn'veɪrənmənt/ | religious | /'ri:lɪdʒəs/ |
| ethnic | /eθnɪk/ | rope | /rəʊp/ |
| background | 'bækgraʊnd/ | round | /raʊnd/ |
| expect | /'ɪks'pekt/ | shape | /'ʃeɪp/ |
| finally | /'fainəli/ | size | /saɪz/ |
| first time | /'fɜ:st taim/ | suddenly | /'sʌdnli/ |
| flat | /flæt/ | tradition | /'trædɪʃən/ |
| gender | /'dʒendə/ | typical | /'tɪpɪkl/ |
| geographical | /dʒɪə'græfɪkl/ | usually | /'ju:zli/ |
| group | /gru:p/ | wide | /'waɪd/ |
| handle | /'hændl/ | wood | /'wʊd/ |
| hardly ever | /'hɑ:dlɪ 'evə(r)/ | | |
| leather | /'leðə(r)/ | | |
| long | /lɒŋ/ | | |
| material | /'mə'tɪəriəl/ | | |
| metal | /metl/ | | |
| a bit later | | it's covered with | |
| a couple of years ago | | it's made of | |
| at first | | it's used as | |
| during the first week | | it's used for | |
| for a moment | | next time | |
| for a while | | What does it look like? | |
| in the end | | What's it made of? | |
| it could be | | What's it used for? | |
| it looks like | | Where's it from? | |
| it's a kind of | | | |

Unit 3

Grammar

☑ کاربرد used to :

used to به معنی (عادت داشتن به ...) جهت بیان عادت به انجام کاری در زمان گذشته بکار می رود. (که در زمان حال ترک شده باشد) مثال:

I used to drink too much coffee.

در گذشته عادت به نوشیدن مقدار زیادی قهوه داشتم.

از آنجائیکه used to بیانگر زمان گذشته است، با استفاده از فعل کمکی did می توان جملات را سوالی و منفی نمود. مثال:

I didn't use to eat coffee.

در گذشته عادت به نوشیدن قهوه نداشتم.

Did he use to avoid sweet?

آیا او عادت به پرهیز از شیرینی داشت؟

No, he didn't.

خیر

☑ زمان حال کامل :

به عبارت (علی به مدرسه رفته است) توجه نمایید. این جمله به مفهوم رفتن علی در گذشته می باشد و در حال حاضر نیز اثر رفتن علی مشخص بوده و تا کنون ادامه دارد. به این زمان حال کامل یا ماضی نقلی گفته می شود. به عبارت دیگر حال کامل زمانی است که در گذشته شروع شده و نتیجه و اثر آن در حال حاضر باقی مانده باشد. ساختار جملات حال کامل بصورت زیر می باشد:

قسمت سوم فعل + **has / have** + فاعل

مثال :

He learns English every day.

او هر روز انگلیسی می آموزد (حال ساده)

He has learned English for two years.

او برای مدت دو سال انگلیسی خوانده است. (حال کامل)

توجه : در انتهای جملات حال کامل معمولا از **for** به معنی **(برای مدت ...)** یا **since** به معنی **(از ...، تا کنون)** به همراه قید زمان استفاده می شود. مثال :

She has lived in Iran **since** 1380.

او از سال ۱۳۸۰ تا کنون در ایران زندگی کرده است.

She has lived in Iran **for** two years.

او برای دو سال در ایران زندگی کرده است

توجه : کاربرد دیگر زمان حال کامل در جملاتی است که از گذشته نامعلوم شروع شده و اثر آن تا کنون باقی مانده باشد. مثال:

I haven't gone there.

من به آنجا نرفته ام

☑ قسمت سوم فعل (اسم مفعول) :

اسم مفعول یا قسمت سوم افعال با قاعده با افزودن **-ed** به انتهای آنها (مانند زمان گذشته ساده) بدست می آید. درخصوص افعال بی قاعده قسمت سوم آنها از قاعده خاصی پیروی نکرده و می بایست به تدریج آموخته شود. قسمت سوم برخی از افعال بی قاعده بصورت زیر است:

have ► had

go ► gone see ► seen

begin ► begun

sing ► sung do ► done

take ► taken

draw ► drawn

choose ► chosen

forget ► forgotten

☑ کاربرد **for, since, yet, just** :

همانطور که در مثالهای قبل دیدیم، انتهای جملات حال کامل معمولا از **for** به معنی (برای مدت ...) یا **since** به معنی (از ...، تا کنون) به همراه قید زمان استفاده می شود. مثال:

I've worked here **for** six years.

We've lived in this house **since** 1995.

yet به معنی (هنوز) در جملات منفی یا پرسشی و **just** به معنی (چند لحظه قبل) در جملات مثبت و **already** به معنی (پیش از این) در جملات مثبت نیز می تواند بکار رود. مثال:

Have you had breakfast **yet**?

No, not **yet**.

I haven't had a shower **yet**.

I've **just** made some coffee.

They've **just** got up.

She's **already** been for a run.

They've **already** gone to work.

توجه : همانطور که دیده می شود، **just** و **already** مابین فعل کمکی **have**، **has** و اسم مفعول بکار می روند. همچنین **yet** معمولا در انتهای جملات حال کامل نوشته می شود.

توجه : گاهی از **before** به معنی (قبلا) در انتهای جملات حال کامل استفاده می شود. مثال:

I haven't seen her **before**.

توجه : در جملات حال کامل می توان از **since** به همراه یک جمله کوتاه حال ساده نیز استفاده نمود. مثال:

I haven't seen that book **since** you came here.

توجه : گاهی کلمات **ever** و **never** در زمان حال کامل مابین فعل کمکی **have, has** و اسم مفعول بکار می روند. مثال:

Have you **ever** seen Isfahan?

No, I have **never** seen it.

☑ افعال دو جزئی :

افعال دو جزئی یا Phrasal Verbs ، افعالی هستند که از دو کلمه شامل فعل اصلی و حرف اضافه، تشکیل شده و معنی متفاوتی نسبت به فعل اصلی دارند. مانند **turn on** (روشن کردن)

برخی از افعال دو جزئی رایج عبارتند از:

turn on, turn off, fill up, try on, take off, put out, break up,
take out, give up, pick up, look up, put on, put off, turn up,
turn down

مثال :

I will **turn on** the car.

عبارت فوق بصورت زیر نیز می تواند نوشته شود:

I will **turn** the car **on**.

در این جمله مفعول مابین دو قسمت افعال دو جزئی قرار می گیرد.

توجه : اگر بجای مفعول از ضمایر مفعولی استفاده نماییم، ضمیر مفعولی می بایست مابین دو قسمت افعال دو جزئی نوشته شود. به عبارت دیگر جملات زیر از نظر نگارش صحیح بوده و معنی واحدی می دهد:

I will turn off **the light**.

I will turn **the light** off.

I will turn **it** off.

من چراغ را خاموش خواهم کرد.

ولی جمله زیر نادرست است:

~~I will turn off it.~~

توجه : برخی از افعال دو جزئی قابلیت جداشدن از هم را نداشته و همواره بصورت یک ترکیب مورد استفاده قرار می گیرند. نمونه ای از این افعال عبارتند از:

look for, search for, think of, look for, hold on, get on,

catch on, get off, keep on, ask for, fall off,

مثال:

I am **looking for** my book.

به عبارت دیگر جمله زیر نادرست می باشد:

~~I am looking my book for.~~



📌 Vocabulary

| | | | |
|------------------------------------|---------------|---------------------------|------------------|
| achieve | /ə'tʃi:v/ | make up | /meɪk 'ʌp/ |
| achievement | /ə'tʃi:vmənt/ | Masters | /'mɑ:stəz/ |
| ambitious | /æm'biʃəs/ | Maths | /mæθz/ |
| apply | /ə'plai/ | notice board | /'nəʊtɪs bɔ:d/ |
| assembly | /ə'sembli/ | pass | /pɑ:s/ |
| blackboard | /'blækbɔ:d/ | Physics | /fɪzɪks/ |
| canteen | /kæn'tri:n/ | punctual | /'pʌŋtʃl/ |
| carry on | /kæri 'ɒn/ | put away | /pʊt 'əweɪ/ |
| chemical | /'kemɪkl/ | put on | /pʊt 'ɒn/ |
| Chemistry | /'kemɪstri/ | qualifications | /kwɒlɪfɪ'keɪʃnz/ |
| degree | /di'ɡri/ | qualify | /'kwɒlɪfaɪ/ |
| department | /di'pɑ:tmənt/ | references | /'refrənsɪz/ |
| desk | /desk/ | reliable | /rɪ'laɪəbl/ |
| doctorate | /'dɒktərət/ | skills | /skɪlz/ |
| educate | /'edʒəkert/ | staffroom | /'stɑ:fru:m/ |
| education | /edʒə'keɪʃn/ | subject | /'sʌbdʒekt/ |
| event | h'vent/ | succeed | /sʌk'sɪd/ |
| faculty | /'fækəlti/ | success | /sʌk'ses/ |
| fail | /feɪl/ | successful | /sʌk'sesfl/ |
| fed up | /fed 'ʌp/ | take off | /teɪk 'ɒf/ |
| first aid | /'fɜ:st 'eɪd/ | take up | /teɪk 'ʌp/ |
| Geography | /dʒɪ:'ɒɡrəfi/ | technology | /tek'nɒlədʒi/ |
| give up | /ɡɪv 'ʌp/ | tell off | /tel 'ɒf/ |
| graduate | /'grædʒuərt/ | tidy up | /taɪdi 'ʌp/ |
| grow up | /grəʊ 'ʌp/ | trained | /treɪnd/ |
| hall | /hɔ:l/ | turn on | /tɜ:n 'ɒn/ |
| hard-working | /hɑ:d'wɜ:kɪŋ/ | turn up | /tɜ:n 'ʌp/ |
| History | /'hɪstri/ | wake up | /weɪk 'ʌp/ |
| keep doing | /ki:p 'du:ɪŋ/ | | |
| Languages | /'læŋwɪdʒəz/ | | |
| a few minutes ago | | make it up | |
| Do you need anything? | | make up a story | |
| Don't worry about ... | | managed to pass | |
| Help yourself to ... | | Shall I ...? | |
| I'll (take your coat) if you like. | | succeeded in getting | |
| Is everything alright? | | Why don't you ...? | |
| | | Would you like me to ...? | |

Unit 4

Grammar

☑ صفت تفضیلی :

صفت تفضیلی برای مقایسه برتری دو اسم نسبت بهم بکار می رود. مانند **علی** از **مریم بلندقدتر است**. در این جمله **بلندقدتر** صفت تفضیلی می باشد.
در زبان انگلیسی صفت تفضیلی با افزودن **-er** به انتهای صفت‌های تک سیلابی بدست می آید. مثال :

بلندتر : taller ▶ بلند : tall

علی از ماری قدبلندتر است. Ali is taller than Mary.

than در جملاتی که دارای صفات تفضیلی هستند به معنی **(از)** جهت مقایسه دو اسم بکار می رود.
مثال :

This book is not cheaper **than** that book.

این کتاب ارزان تر از آن کتاب نیست

توجه : هنگام افزودن **-er** به انتهای صفت‌های تک سیلابی که حرف انتهای آنها بی صدا بوده و حرف ماقبل آخر صدادار است، حرف انتهایی تکرار می شود. مانند **bigger , fatter , hotter**

☑ سیلابها در زبان انگلیسی :

به لغاتی مانند **cat , dog , horse** که در یک بخش ادا می شوند ، کلمات تک سیلابی گفته می شود. لغاتی مانند **monkey , dolphin** که در دو بخش ادا می

شوند ، کلمات دو سیلابی گفته می شوند. همینطور لغاتی مانند kangaroo , elephant که در سه بخش ادا گردیده و سه سیلابی هستند. همانطور که دیدید در صفت‌های تک سیلابی مانند tall و old ، صفت تفضیلی با افزودن -er به انتهای لغت تشکیل می شود. مانند: older و taller

✓ صفت تفضیلی چند سیلابی :

در صفت‌های دو یا چند سیلابی مانند beautiful ، صفت تفضیلی با افزودن more به ابتدای لغت تشکیل می شود. مانند : more beautiful
به مثالهایی در این زمینه توجه نمایید:

My mother is older than your mother.

مادر من از مادر تو مسن تر است

My father is more hardworking than my uncle.

پدر من از عمویم سختکوش تر است

✓ صفت های تفضیلی بی قاعده :

بعضی صفت‌های تفضیلی بی قاعده بوده و با افزودن -er به انتهای صفت ساخته نمی شوند. مانند :

Better : بهتر ► Good : خوب

Worse : بدتر ► Bad : بد

further : دورتر ► far : دور

✓ کاربرد less :

گاهی صفت‌های تفضیلی چند سیلابی با less به معنی (کمتر) بجای more به معنی (بیشتر) نوشته می شوند. در این حالت جمله مفهوم منفی خواهد داشت. مثال :

My book is **more** expensive than your book.

کتاب من از کتاب شما گرانتر است

Your book is **less** expensive than my book.

کتاب شما از کتاب من گرانتر نیست

☑ صفت عالی :

صفت عالی برای مقایسه برتری میان چندین اسم بکار می رود. مانند **علی بلندقدترین دانش آموز است**. در این جمله **بلندقدترین** صفت عالی می باشد. در زبان انگلیسی صفت عالی با افزودن **-est** به انتهای صفت‌های تک سیلابی ساخته می شود. مثال :

بلندترین : tallest ► بلند : tall

علی قدبلندترین دانش آموز است. Ali is the tallest student.

توجه : the در جملاتی که دارای صفات عالی هستند همیشه قبل از صفت عالی بکار می رود. مثال :

علی جوانترین بچه است. Ali is the youngest child.

☑ صفت عالی چند سیلابی :

در صفت‌های دو یا چند سیلابی مانند beautiful ، صفت عالی با افزودن **most** به ابتدای لغت ساخته می شود. مانند : **most beautiful** مثال:

Isfahan is the most beautiful city in Iran.

اصفهان زیباترین شهر ایران است



✓ صفت عالی بی قاعده :

بعضی صفت‌های عالی بی قاعده هستند. و با افزودن **-est** به انتهای صفت ساخته نمی‌شوند. مانند :

بهترین : Best ► خوب : Good

بدترین : Worst ► بد : Bad

دورترین : furthest ► دور : far

✓ ترکیب much با صفت عالی :

ترکیب much با صفت عالی به آن مفهوم (خیلی) می‌دهد. (در این حالت از very استفاده نمی‌شود) مثال:

This book is **much** cheaper than that book.

این کتاب از آن کتاب بسیار ارزانتر می‌باشد.

✓ کاربرد as ... as در بیان تشابه صفتها :

برای بیان تشابه یا برابری صفت بین دو شخص از عبارت as ... as بصورت زیر استفاده می‌شود. مثال:

This LCD is **as good as** that one.

این نمایشگر به خوبی آن یکی است.

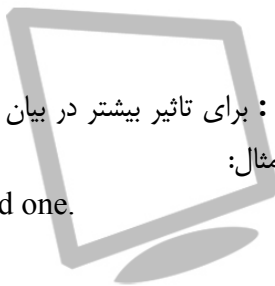
He is **as old as** I (am).

او به بزرگی من است.

توجه : برای تاثیر بیشتر در بیان تشابه می‌توان از **just** قبل از as ... as استفاده نمود. مثال:

The new LCD is **just as good as** the old one.

نمایشگر جدید دقیقاً بخوبی مدل قدیمی اش می‌باشد.



توجه : برای بیان تشابه دو چیزی که دقیقاً مشابه هم نبوده و فقط تا حدودی شبیه باشند، می توان از **almost** قبل از **as ... as** استفاده نمود. مثال:

The new LCD is almost **as good as** the old one. But it's a little slower.

نمایشگر جدید تا حدودی بخوبی مدل قدیمی اش می باشد. ولی مقداری کند است.

توجه : برای بیان عدم تشابه دو چیز از **not as ... as** استفاده می شود. اگر اختلاف دو چیز محدود باشد، از قید **quite** و اگر اختلاف بزرگ باشد، از قید **nearly** برای تاثیر بیشتر استفاده می گردد.
مثال:

My new air conditioner is not **as noisy as** the old one.

سیستم تهویه مطبوع من به پر سر و صدایی مدل قدیمی اش نیست.

The new LCD doesn't cost quite **as much as** the old one.

نمایشگر جدید اندکی اختلاف قیمت با نمونه قدیمی اش دارد.

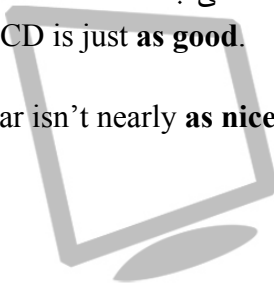
The new LCD doesn't cost nearly **as much as** the old one.

نمایشگر جدید اختلاف قیمت زیادی نسبت به نمونه قدیمی اش دارد.

توجه : گاهی جملات **as ... as** در حالت مخفف بصورت زیر نوشته می شوند. مثال:

We loved our old LCD. But our new LCD is just **as good**.

Have you seen my new car? My new car isn't nearly **as nice**.



☑ کاربرد as ... as در بیان تشابه قیدها:

برای بیان تشابه یا برابری قید بین افعال جمله از عبارت as ... as بصورت زیر استفاده می شود. مثال:

My new phone works **as well as** my old one.

تلفن جدید من بخوبی مدل قدیمی کار می کند.

The new LCD doesn't run **as slowly as** the old one.

نمایشگر جدید به کندی مدل قدیمی اش کار نمی کند.

☑ ضمایر ربطی :

ضمایر ربطی یا Relative Pronouns مانند who, what, when, where, that
ضمایری هستند که برای اتصال مابین جملات اصلی و جملات تابع
بکار می روند. مثال:

Fred is the man.

Fred cleans the school.

► Fred is the man **who** cleans the school.

فرد مردی است که مدرسه را تمیز می کند.

برخی از ضمایر ربطی عبارتند از:

who (به معنی که) برای اشاره به فاعل انسان بکار می رود.

whom (به معنی که او را) برای اشاره به مفعول انسان بکار می رود.

which (به معنی که) برای اشاره به فاعل و مفعول اشیاء بکار می رود.

that (به معنی که) بجای **who, whom, which** می تواند بکار برود.

مثال:

A dentist is someone **that** takes care of people's teeth.

A watch is a thing **which** shows the time.

A dictionary is a book **that** tells you the meaning of words.

توجه : هنگامیکه ضمائر ربطی بصورت مفعول در جمله نوشته می شوند، حذف آنها، تغییری در مفهوم جمله بوجود نمی آورد. مثال:

The book **that you bought** gives great information about holidays

► The book **you bought** gives great information about holidays.

توجه : زمانیکه ضمائر ربطی بصورت فاعل در جمله نوشته می شود، نمی تواند حذف شود. مثال:

The author **who wrote that book** did a great job.

► ~~The author wrote that book did a great job.~~



📌 Vocabulary

| | | | |
|--------------|----------------|-----------------|------------------------|
| a bit | /ə bɪt/ | guitarist | /gr'ta:rist/ |
| a lot | /ə lɒt/ | headphones | /'hedfəʊnz/ |
| action | /'ækʃn/ | impressive | /'ɪm'presɪv/ |
| action film | /'ækʃn fɪlm/ | instrument | /'ɪnstɾəmənt/ |
| amaze | /ə'meɪz/ | jazz | /dʒæz/ |
| amazing | /ə'meɪzɪŋ/ | keyboard | /'ki:bɔ:d/ |
| bass | /beɪs/ | literature | /'lɪtrətʃə(r)/ |
| best | /'best/ | MP3 player | /empr 'θri: plerjə(r)/ |
| better | /'betə(r)/ | much | /mʌtʃ/ |
| bright | /'braɪt/ | musical | /'mju:zɪkl/ |
| brilliant | /'brɪljənt/ | musician | /'mju:zɪʃn/ |
| busy | /'bɪzi/ | opera | /'ɒprə/ |
| cafeteria | /kæfə'ti:riə/ | plot | /plɒt/ |
| cello | /'tʃeləʊ/ | pop | /pɒp/ |
| character | /'kærəktə(r)/ | popular | /'pɒpjələ(r)/ |
| cheerful | /'tʃi:fəl/ | rap | /ræp/ |
| classic | /'klæsɪk/ | recorder | /rɪ'kɔ:də(r)/ |
| classical | /'klæsɪkl/ | records | /'rekɔ:dz/ |
| clearly | /kɪəli/ | reggae | /'regeɪ/ |
| club | /klʌb/ | relationship | /rɪ'leɪʃnʃɪp/ |
| comedy | /'kɒmədi/ | rock | /rɒk/ |
| composer | /kəm'pəʊzə(r)/ | romance | /rəʊ'mæns/ |
| concert hall | /'kɒnsət hɔ:l/ | saxophone | /'sæksəfəʊn/ |
| convenient | /kən'vi:njənt/ | science fiction | /saɪəns 'fɪkʃn/ |
| disgusted | /dɪs'gʌstɪd/ | situations | /'sɪtju:'eɪʃnz/ |
| disgusting | /dɪs'gʌstɪŋ/ | slightly | /slartli/ |
| drama | /'dræmə/ | snack | /snæk/ |
| drummer | /'drʌmə(r)/ | speakers | /'spri:kə(r)z/ |
| easily | /'i:zɪli/ | speed | /'spi:d/ |
| elegant | /'eləɡənt/ | stadium | /'sterɪdɪəm/ |
| embarrassed | /'ɪm'bærəsd/ | stereo system | /'steri:əʊ sɪstəm/ |
| emotion | /'ɪməʊʃn/ | stylish | /'stɑɪlɪʃ/ |
| event | /'ɪ'vent/ | sweet | /'swi:t/ |
| excitement | /'ɪksɪtmənt/ | take-away | /'teɪk əweɪ/ |
| fantasy | /'fæntəsi/ | tasty | /'teɪsti/ |

| | | | |
|----------------------------|---------------------|----------------------------------|--------------------|
| far | /fɑ:(r)/ | terrified | /'terfaɪd/ |
| fascinated | /'fæsmertɪd/ | terrifying | /'terfaɪɪŋ/ |
| fighting | /'faɪtɪŋ/ | venue | /'venju:/ |
| generous | /'dʒenərəs/ | violin | /vaɪə'lm/ |
| absolutely adore | | isn't as (interesting) as | |
| aren't as (nice) as | | It's about ... | |
| as tasty as | | more easily | |
| can't stand | | most easily | |
| don't mind | | not too keen on | |



Unit 5

Grammar

☑ کاربرد **can, must, have to** :

can به معنی (مجاز بودن) امور در جملات بکار می رود. مثال:

You **can** take photos in the museum.

شما می توانید در موزه عکس برداری نمایید.

You **can't** take dogs into restaurants in Britain.

بردن سگ به داخل رستورانهای بریتانیا قدغن است.

must به معنی (ضرورت و اجبار) تقریباً مترادف **have to** در جملات بکار می

رود. مثال:

You **must** have a licence to drive a car.

شما می بایست برای راندن ماشین، گواهینامه داشته باشید.

You **mustn't** smoke in the classroom.

استعمال دخانیات در کلاس قدغن است.

has to و **have to** (برای سوم شخص مفرد) به معنی (مجبور بودن) و تقریباً

مترادف **must** می باشد. مثال:

I **have to** do it.

مجبورم که این کار را انجام دهم

She **has to** wash her hands.

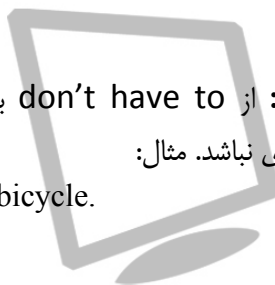
مجبور است که دستهایش را بشوید

توجه: از **don't have to** برای بیان مواردی استفاده می شود که انجام آن

ضروری نباشد. مثال:

We **don't have to** pass a test to ride a bicycle.

لازم نیست برای راندن دوچرخه، آزمون بدهید.



should گذشته shall و به مفهوم (بهتر است که ...) جهت بیان و درخواست

نصایح، راهنمایی و پیشنهاد و الزام اخلاقی در جملات بکار می رود. مثال :

I am tired. I **should** go to bed .

خسته هستم. بهتر است که به تختخواب بروم

My mother is ill. She **should not** go to work .

مادرم بیمار است. بهتر است که به سرکار نرود

توجه: ought to تقریباً مترادف با should جهت بیان و درخواست نصایح،

راهنمایی و پیشنهاد و الزام اخلاقی در جملات بکار می رود. مثال :

You **ought to** keep a first aid kit in your car.

You **shouldn't** leave medicine where children can reach it.

توجه: need to تقریباً مترادف با have to جهت بیان الزام در جملات بکار می

رود. همچنین needn't مترادف don't have to برای بیان مواردی استفاده می

شود که انجام آن ضروری نباشد. مثال:

You **have to** take the pills three times a day.

You'll **need to** show your passport at the hotel.

☑ جملات معلوم و مجهول :

به جملاتی که در آن فاعل نقش موثری را به عهده دارد و فعل جمله به فاعل آن بر

می گردد، جمله معلوم گفته می شود. تمامی جملاتی که تاکنون آموخته ایم جملات

معلوم می باشند. مثال :

I study English.

به جملاتی که در آن مفعول نقش موثری را به عهده دارد و فعل بصورت عمل انجام

شده به مفعول نسبت داده شود، جمله مجهول می گویند. به جملات زیر توجه نمایید :

Ali sees me.

علی من را می بیند. (جمله معلوم)

I am seen.

من دیده می شوم. (جمله مجهول)

همانطور که می بینید جهت تبدیل جملات معلوم به مجهول، ابتدا مفعول را به ابتدای جمله آورده ، سپس فاعل را حذف نموده و فعل اصلی جمله را به صورت اسم مفعول آن به همراه زمان مناسب to be ذکر می کنیم.

☑ اسم مفعول :

اسم مفعول یا Past participle به شکل سوم فعل گفته می شود. شکل سوم افعال با قاعده با افزودن -ed به انتهای آنها (مانند زمان گذشته ساده) بدست می آید. درخصوص افعال بی قاعده شکل سوم آنها از قاعده خاصی پیروی نکرده و می بایست به تدریج آموخته شود. شکل سوم برخی از افعال بشرح زیر است:

| | | |
|-----------------|--------------------|------------|
| have ▶ had | go ▶ gone | see ▶ seen |
| begin ▶ begun | sing ▶ sung | do ▶ done |
| take ▶ taken | draw ▶ drawn | |
| choose ▶ chosen | forget ▶ forgotten | |

☑ ساختار جملات مجهول حال ساده:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + am/is/are + مفعول

مثال:

The police arrest criminals.

▶ Criminals are arrested.

☑ ساختار جملات مجهول حال استمراری:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + being + am/is/are + مفعول

مثال:

The police are arresting the murderer.

► The murderer is being arrested.

☑ ساختار جملات مجهول حال کامل :

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + been + have/has + مفعول

مثال:

The police have arrested the burglars.

► The burglars have been arrested.

☑ ساختار جملات مجهول گذشته ساده:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + was/were + مفعول

مثال:

The police arrested the criminals.

► The criminals were arrested.

☑ زمان گذشته کامل :

زمان گذشته کامل یا ماضی بعید، بیانگر عملی است که در گذشته دور (قبل از عمل دیگری در گذشته) کامل شده باشد. معمولاً این زمان همراه با یک جمله کوتاه گذشته ساده همراه است. ساختار زمان گذشته کامل بصورت زیر می باشد:

(جمله کوتاه گذشته ساده + کلمه ربط) + اسم مفعول + had + فاعل

مثال:

I had arrived when you called.

وقتی تماس گرفتی، رسیده بودم.

در زمان گذشته کامل، had فعلی کمکی می باشد. لذا برای سوالی نمودن جمله می بایست had را به ابتدای جمله آورده و همچنین در ترکیبهای منفی، not را به had اضافه می کنیم. مثال:

I **hadn't** seen the movie when it came out on DVD.

من فیلم را ندیده بودم زمانیکه روی دی وی منتشر شد.

Had the film finished when you went there?

آیا زمانیکه به آنجا رسیدی، فیلم تمام شده بود؟

توجه: قیدهای زمان زیر معمولاً در قسمت گذشته ساده بکار می روند:

when (هنگامیکه) , before (قبل از اینکه) , by (تا)

مثال:

By 2001, she had already met her husband.

I had already seen the movie **when** it came out on DVD.

I had learned to speak Greek **before** I graduated.

توجه: قیدهای زمان زیر معمولاً در قسمت گذشته کامل بکار می روند:

after (بعد از اینکه) , as soon as (به محض اینکه)

مثال:

I became a good driver **after** I had finished my work.

I became a good driver **as soon as** I had graduated.

توجه: معمولاً کلمه **already** به معنی **(قبلاً)** پس از **had** و قبل از اسم مفعول بکار می رود. مثال:

I **hadn't already** seen them.

توجه: گاهی در مکالمه های غیر رسمی بجای زمان گذشته کامل، از گذشته ساده نیز استفاده می شود. مثال:

Before I graduated, I learned to speak Chinese.

📌 Vocabulary

| | | | |
|---------------|--------------------|----------------|---------------------|
| alarm | /ə'la:(r)m/ | murder | /'mɜ:də(r)/ |
| allow | /ə'laʊ/ | national | /'næʃənəl/ |
| arrest | /ə'rest/ | permit (v) | /pə'mɪt/ |
| attack | /ə'tæk/ | permitted | /pə'mɪtɪd/ |
| break into | /breɪk 'ɪntu:/ | political | /pə'lɪtɪkl/ |
| capital | /'kæpɪtl/ | politics | /'pɒlɪtɪks/ |
| cash machine | /'kæʃ məʃɪn/ | power | /'paʊə/ |
| complete | /'kəm'plɪt/ | prince | /'prɪns/ |
| confess | /'kɒn 'fes/ | prohibit | /'prə'hɪbɪt/ |
| conservative | /'kɒn'sɜ:(r)vətɪv/ | prohibited | /'prə'hɪbɪtɪd/ |
| crime | /'kraɪm/ | protect | /'prə'tekt/ |
| criminal | /'krɪmɪnl/ | rebel (n) | /'rebəl/ |
| delete | /'di'li:t/ | rebel (v) | /'rə'bel/ |
| democracy | /'de'mɒkrəsi/ | represent | /'reprə'zent/ |
| drug | /'drʌg/ | republic | /'rɪ'pʌblɪk/ |
| election | /'ɪleɪʃn/ | rob | /'rɒb/ |
| enemy | /'enəmi/ | security guard | /'sɪkjʊərəti 'gɑ:d/ |
| escape | /'ɛskeɪp/ | shoot | /'ʃu:t/ |
| forbid | /'fə'bɪd/ | socialist | /'səʊʃəlɪst/ |
| forbidden | /'fə'bɪdn/ | sports car | /'spɔ:tz kɑ:(r)/ |
| govern | /'gʌvə(r)n/ | steal | /'sti:l/ |
| head of state | /'hed əv 'steɪt/ | take power | /'teɪk 'paʊə/ |
| headline | /'hedlɪn/ | taxi driver | /'tæksi draɪvə(r)/ |
| hijack | /'haɪdʒæk/ | the president | /'ðə 'prezɪdnt/ |
| kidnap | /'kɪdnæp/ | thief | /'θi:f/ |
| kill | /'kɪl/ | United Nations | /'u:nɪtɪd 'neɪʃnz/ |
| king | /'kɪŋ/ | valuable | /'væljəbl/ |
| | | victim | /'vɪktɪm/ |

I don't know.
I'm not sure.
It isn't (very good), is it?

Unit 6

Grammar

☑ کاربرد مصدر :

مصدر یا Infinitive همانند مصدر در زبان فارسی حالت اولیه و بدون زمان برای افعال می باشد. از آنجاییکه مصدر شامل **صورت اولیه فعل + to** می باشد، گاهی آنرا مصدر با **to** یا **Infinitive with to** می گویند. در مثال زیر **to go** مصدر می باشد:

I want you **to go** with him.

بطور کلی مصدر به تنهایی در جملات بکار نمی رود مگر بعد از بعضی افعال خاص. (مانند **want** در مثال قبل)
 پرکاربردترین افعالی که بعد از آن فصل دوم بصورت مصدر (با **to**) بکار برده می شود، عبارتند از:

want, agree, be sure, choose, decide, expect, hope, learn, need, plan, seem, wish, would like

توجه : در ترکیبات منفی مصدر، **not** قبل از **to** نوشته می شود. مثال:

I want you **not to go** there.

☑ کاربرد اسم مصدر :

اسم مصدر یا Gerund با افزودن **ing** به انتهای فعل ساخته می شود. مانند **painting** (به معنی نقاشی)

اسم مصدر بصورت اسم در جملات انگلیسی بکار می رود. مثال:

She enjoys **painting**.

They discussed **going** on vacation.

توجه : پس از افعال زیر اسم مصدر بکار می رود:

enjoy, feel, like, mind, practice, quit, suggest, would you mind, can't help, can't stand, to be used to

مثال:

I enjoy **watching** TV.

توجه : پس از حروف اضافه، فعل بصورت اسم مصدر بکار می رود. مثال:

Thanks for **asking**.

☑ نقل قول مستقیم:

به جمله علی گفت: "من به مدرسه می روم." توجه نمایید. در زبان انگلیسی هرگاه جملات شخص غایب را عینا و بدون هیچ تغییری بیان کنیم، به آن نقل قول مستقیم گفته می شود. مثال:

Ali said, "I am going to school."

جهت بیان نقل قول مستقیم، از زمان مناسب فعل say و علامت (r) استفاده می نماییم. سپس جمله مورد نظر را بدون هیچ تغییر داخل گیومه (" ") می نویسیم. مثال:

They said, "The weather is awful."

They said to me, "The weather is awful."

☑ نقل قول غیر مستقیم:

در نقل قول غیر مستقیم، جملات شخص غایب را با اندکی تغییر و با حفظ مفهوم آن بیان می کنیم. به جمله علی گفت: "من به مدرسه می روم." توجه نمایید. در

نقل قول غیر مستقیم جمله فوق بصورت (علی گفت که او به مدرسه رفت.)
نوشته می شود. مثال:

Ali said that he went to school.

توجه : برای تغییر جملات نقل قول مستقیم به نقل قول غیر مستقیم بصورت زیر عمل می کنیم:

۱ - علامت (r) را حذف نموده و بجای آن از رابط **that** استفاده می کنیم.

۲ - علامت (“ ”) را از جمله حذف می کنیم.

۳ - زمان جمله نقل شده را یک زمان به عقب می بریم.

۴ - در ضمائر فاعلی، مفعولی و صفات ملکی از الگوی زیر پیروی می کنیم:

I ► He / She

You ► I / We

We ► They

۵ - در صورت نیاز از الگوهای زیر برای تبدیل لغات استفاده می کنیم:

this ► that

these ► those

here ► there

now ► then

ago ► before

today ► that day

yesterday ► the day before

tomorrow ► the next day

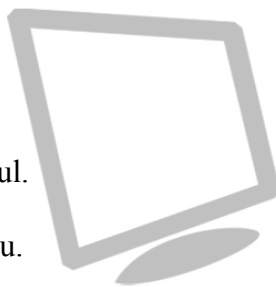
مثال:

They said, “The weather is awful.”

► They said that the weather was awful.

Dan said, “We all had the flu.”

► Dan said that they had all had the flu.



توجه : رابط **that** در جملات غیر مستقیم می تواند حذف شود. مثال:

They said the weather was awful.

توجه : برای تبدیل جملات نقل قول مستقیم امری به نقل قول غیر مستقیم از الگوی

زیر پیروی می کنیم:

... + مصدر (با to) + مفعول + said/told/asked + فاعل

مثال:

He said, "Read the book."

► He asked me to read the book.

She told Dan, "Call me tomorrow."

► She told Dan to call her the next day.

توجه : اگر جمله نقل قول مستقیم درخصوص یک رویداد علمی و یا حقیقت انکار نشدنی باشد، هنگام نوشتن جمله نقل قول غیر مستقیم تغییر زمان نخواهیم داشت.

مثال:

They said that English is an international language.



📌 Vocabulary

| | | | |
|------------|----------------|-----------------|------------------|
| amazing | /ə'meɪzɪŋ/ | kind | /kaɪnd/ |
| awful | /ɔːfl/ | mind | /maɪnd/ |
| behaviour | /br'heɪvjə(r)/ | naughty | /'naʊti/ |
| brilliant | /'brɪljənt/ | noisy | /'nɔɪzi/ |
| bully | /'bʊli/ | nosy | /'nəʊzi/ |
| decide | /dɪ'saɪd/ | polite | /pə'laɪt/ |
| don't mind | /dəʊnt 'maɪnd/ | responsible for | /rɪs'pɒnsəbl fə/ |
| dreadful | /'dredfl/ | rough | /rʌf/ |
| enjoy | /ɪn'dʒɔɪ/ | rude | /ruːd/ |
| enormous | /ɪ'nɔ:(r)məs/ | say | /saɪ/ |
| exhausted | /ɪg'zɔ:stɪd/ | so | /səʊ/ |
| expect | /ɪk'spekt/ | such | /sʌtʃ/ |
| fancy | /'fænsi/ | surprising | /sə'praɪzɪŋ/ |
| fantastic | /fæn'tæstɪk/ | swear | /swɛə/ |
| fight | /faɪt/ | take out | /teɪk 'aʊt/ |
| finish | /'fɪnɪʃ/ | tell | /tel/ |
| forget | /'fəget/ | terrible | /'terɪbl/ |
| friendly | /'frendli/ | terrified | /'terɪfaɪd/ |
| furious | /'fjʊəriəs/ | well-behaved | /wel br'heɪvd/ |
| helpful | /'helpfl/ | wonderful | /'wʌndəfl/ |
| hope | /həʊp/ | | |

| | |
|--------------------|-------------------|
| after paying | Really? |
| expect to see | thanks for coming |
| It sounds good. | Wow! |
| It's great to ... | Write soon. |
| kind enough to ... | Yeah, I know. |
| Oh no! | You're so kind. |
| Poor you! | |

Unit 7

Grammar

☑ Noun Clause ها:

عبارتهای اسمی یا Noun Clauses مجموعه ای از کلمات مرتبط با هم از قبیل فعل، فاعل و مفعول بوده که بعنوان اسم در جملات ظاهر می شوند. مثال:

I don't know **who the author is**.

در مثال فوق **who the author is** عبارت اسمی می باشد. عبارتهای اسمی با کلمات پرسشی WH و یا کلماتی از قبیل **if** و **whether** همراه بوده و به جمله اصلی متصل می شوند.

☑ عبارتهای اسمی در پرسشهای WH:

برای اتصال جملات پرسشی WH به جملاتی از قبیل **I don't know** و ... از قوانین زیر پیروی می کنیم:

۱ - جمله را با یکی از عبارات مشابه زیر شروع می کنیم:

I don't know

I wonder

I'd like to know

Do you know

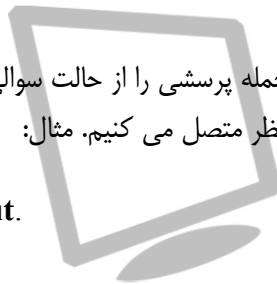
Could you tell me

Would you mind tell me

۲ - جمله پرسشی را از حالت سوالی خارج نموده و آنرا با همان کلمه پرسشی، به جمله مورد نظر متصل می کنیم. مثال:

What's the book about?

► I don't know **what the book's about**.



Who's the author?

► I don't know **who the author is**.

☑ کاربرد will, shall :

از will می توان برای قول دادن انجام کار یا بیان پیشنهاد در زمان حال استفاده نمود. مثال:

We **will** send you a postcard.

ما قول می دهیم که برای شما یک کارت پستال ارسال می کنیم.

I'll open the door for you.

چطور است که درب را برایتان باز نمایم؟

توجه: shall نیز مانند will برای قول دادن انجام کار یا بیان پیشنهاد در جملات پرسشی اول شخص مفرد و جمع (I و we) بکار می رود. مثال:

Shall I lend you some money?

چطور است که مقداری پول به شما قرض دهم؟

☑ کاربرد زمان حال استمراری در آینده ساده :

از جملات حال استمراری می توان جهت برنامه ریزی انجام فعل در زمان آینده ساده استفاده نمود. مثال:

I am working tomorrow.

You are taking a day off next week.

He is leaving tonight.

We are meeting him for lunch.

They are going home after the lesson.



Are you going home after the lesson?

No, I'm not.

☑ کاربرد going to در آینده ساده :

از ترکیبات going to می توان جهت بیان تصمیم انجام فعل در زمان آینده ساده استفاده نمود. مثال:

I am going to lose weight.

قصد دارم تا وزن کم کنم.

He is going to learn Japanese.

او قصد دارد تا زبان ژاپنی بیاموزد.

به ترکیبهای سوالی و منفی زیر توجه نمایید:

Are you going to join a gym?

No, I'm not.

Yes, I am.

توجه: از going to می توان برای پیش بینی آینده بر اساس وقایع جاری نیز استفاده نمود. مثال:

I'm going to start work.

نزدیک است که کار را شروع کنم.

It is going to fall.

نزدیک است که بیفتد.

☑ کاربرد must, might, can't در نتیجه گیری و قیاس :

must به مفهوم نتیجه گیری در جملات انگلیسی، هنگامی که از نتیجه فعل مطمئن باشیم، بکار می رود. مثال:

He **must** be very rich if he's got a Rolls-Royce.

might زمانیکه از نظر گوینده نتیجه محتمل است، بکار برده می شود. مثال:

The shutters are closed. She **might** be asleep.

can't زمانیکه از نظر گوینده نتیجه غیر محتمل و بعید باشد، بکار برده می شود.

مثال:

They **can't** be poor if they live in the most expensive part of town.

توجه: در مفهوم نتیجه گیری و قیاس، **can't** منفی **must** می باشد. مثال:

It **must** be difficult to live without electricity.

It **can't** be easy to live without electricity.



📌 Vocabulary

| | | | |
|--------------------------------|-----------------|----------------------|------------------|
| active | /ˈæktɪv/ | loose-fitting | /luːs ˈfɪtɪŋ/ |
| aggressive | /əˈɡresɪv/ | massage | /'mæsɑ:ʒ/ |
| ambitious | /æmˈbɪʃəs/ | nervous | /'nɜ:vəs/ |
| artistic | /ɑ:(r)ˈtɪstɪk/ | old-fashioned | /əʊld ˈfæʃnd/ |
| bald | /bɔ:ld/ | outgoing | /aʊtˈɡəʊɪŋ/ |
| calm | /kɑ:m/ | perhaps | /'pe'hæpz/ |
| character | /'kærəktə(r)/ | probably | /'prɒbəbli/ |
| clean-shaven | /kli:n ˈʃeɪvən/ | quite | /'kwɑ:t/ |
| climbing | /'klaɪmɪŋ/ | shave | /'ʃeɪv/ |
| comb | /kəʊm/ | shaved | /'ʃeɪvd/ |
| confident | /'kɒnfɪdənt/ | shy | /'ʃaɪ/ |
| curly | /'kɜ:li/ | steam bath | /'sti:m ˈbɑ:θ/ |
| elbow | /'elbəʊ/ | straight | /'streɪt/ |
| fashion-conscious | /'fæʃn kɒnʃəs/ | thumb | /θʌm/ |
| freckles | /'freɪklz/ | toe | /təʊ/ |
| generous | /'dʒenerəs/ | unfriendly | /ʌnˈfrendli/ |
| ginger | /'dʒɪŋdʒə(r)/ | walking | /'wɔ:kɪŋ/ |
| good-looking | /'ɡʊd ˈlʊkɪŋ/ | wavy | /'weɪvi/ |
| gym | /'dʒɪm/ | well-dressed | /'wel ˈdresd/ |
| haircut | /'heəkʌt/ | well-known | /'wel ˈnəʊn/ |
| imaginative | /'ɪmædʒɪnətɪv/ | well-mannered | /'wel ˈmænə(r)d/ |
| jogging | /'dʒɒɡɪŋ/ | well-off | /'wel ˈɒf/ |
| kind | /'kænd/ | yoga | /'jəʊgə/ |
| knee | /'ni/ | | |
| limb | /'lɪm/ | | |
| lively | /'laɪvli/ | | |
| around forty | | in his late twenties | |
| I don't care. | | in his mid thirties | |
| I don't mind. | | She looks like ... | |
| I'm writing in response to ... | | She looks very ... | |
| in her teens | | Yours faithfully | |
| in his early sixties | | | |

Unit 8

Grammar

☑ افعال دو جزئی :

همانگونه که در درسهای گذشته دیدیم، افعال دو جزئی یا Phrasal Verbs ، افعالی هستند که از دو کلمه شامل فعل اصلی و حرف اضافه، تشکیل شده و معنی متفاوتی نسبت به فعل اصلی دارند. مثال :

I will **turn on** the car.

I will **turn** the car **on**.

اگر بجای مفعول از ضمائر مفعولی استفاده نماییم، ضمیر مفعولی می بایست مابین دو قسمت افعال دو جزئی نوشته شود. به عبارت دیگر جملات زیر از نظر نگارش صحیح بوده و معنی واحدی می دهد:

I will turn off **the light**.

I will turn **the light** off.

I will turn **it** off.

ولی جمله زیر نادرست است:

~~I will turn off it.~~

توجه : برخی از افعال دو جزئی قابلیت جداسدن از هم را نداشته و همواره بصورت

یک ترکیب مورد استفاده قرار می گیرند. نمونه ای از این افعال عبارتند از:

look for, search for, think of, look for, hold on, get on,

catch on, get off, keep on, ask for, fall off,

مثال:

I am **looking for** my book.

به عبارت دیگر جمله زیر نادرست می باشد:

~~I am looking my book for.~~

☑ کاربرد **can, could, be able to, managed to** :

عبارت‌های **can, could, be able to** به عنوان **توانایی عمومی** در جملات حال یا گذشته ساده بکار برده می‌شوند. مثال:

I **can** speak French.

Many dogs **are able to** swim.

She **could** swim when she was a child.

He had a car so he **was able to** travel a lot.

I **was able to** understand everything she said.

عبارت **be able to** و **managed to, succeeded in, couldn't** برای

بیان **توانایی در یک موقعیت خاص در زمان گذشته** بکار برده می‌شوند. مثال:

They **were able to** book the flights on the Internet.

We all **managed to** pass the English test.

She **succeeded in** passing all her exams.

Have they managed to cure him?

We **have been able to** save enough money for a holiday.

☑ کاربرد نقل قول غیر مستقیم :

همانطور که در درس‌های گذشته دیدیم، برای تغییر جملات نقل قول مستقیم به نقل

قول غیر مستقیم بصورت زیر عمل می‌کنیم:

۱ - علامت (r) را حذف نموده و بجای آن از رابط **that** استفاده می‌کنیم.

۲ - علامت (" ") را از جمله حذف می‌کنیم.

۳ - زمان جمله نقل شده را یک زمان به عقب می‌بریم.

۴ - در ضمائر فاعلی، مفعولی و صفات ملکی از الگوی زیر پیروی می‌کنیم:

I ► He / She

You ► I / We

We ► They

۵ - در صورت نیاز از الگوهای زیر برای تبدیل لغات استفاده می کنیم:

this ► that

these ► those

here ► there

now ► then

ago ► before

today ► that day

yesterday ► the day before

tomorrow ► the next day

مثال:

They said, "The weather is awful."

► They said that the weather was awful.

Dan said, "We all had the flu."

► Dan said that they had all had the flu.

توجه: برای تبدیل جملات نقل قول مستقیم امری به نقل قول غیر مستقیم از الگوی

زیر پیروی می کنیم:

... + مصدر (با to) + مفعول + said/told/asked + فاعل

مثال:

He said, "Read the book."

► He asked me to read the book.

She told Dan, "Call me tomorrow."

► She told Dan to call her the next day.



توجه: برای تبدیل جملات پرسشی از نقل قول مستقیم به نقل قول غیر مستقیم، کفایت از قوانین عبارتهای اسمی که در درسهای گذشته آموختیم، استفاده نماییم. به عبارت دیگر، نخست جمله را با عبارت **asked + فاعل** آغاز نموده و جمله پرسشی را از حالت سوالی خارج کرده و آنرا با همان کلمه پرسشی، به جمله مورد نظر متصل می کنیم. مثال:

She said, "Why are you looking for a new job?"

► She asked him why he was looking for a new job.

توجه: برای تبدیل جملات پرسشی **yes/no** از نقل قول مستقیم به نقل قول غیر مستقیم، مشابه مورد قبل عمل نموده و بجای کلمه پرسشی از **if** یا **whether** استفاده می نماییم. مثال:

They said, "Can you speak any foreign languages?"

► They asked her if she could speak any foreign languages.



📌 Vocabulary

| | | | |
|--------------|-------------------|--------------|-----------------|
| ability | /ə'bilɪti/ | invite | /ɪn'vaɪt/ |
| able | /'eɪbl/ | lifeguard | /'laɪfgɑ:d/ |
| accountant | /ə'kaʊntənt/ | manage to | /'mænidʒ tə/ |
| active | /'æktɪv/ | message | /'mesɪdʒ/ |
| activity | /æk'trɪvɪti/ | offer to | /'ɒfə tə/ |
| advise agree | /əd'vaɪz/ /ə'gri/ | popular | /'pɒpjə'lə(r)/ |
| be able to | /bi 'eɪbl tə/ | popularity | /pɒpjə'lærəti/ |
| busy | /'bɪzi/ | possibility | /'pɒsɪ'bɪlɪti/ |
| computer | /kəm'pjʊtə(r)/ | possible | /'pɒsɪbl/ |
| technician | teknɪʃn/ | promise | /'prɒmɪs/ |
| curiosity | /kjʊəri:'ɒsəti/ | public phone | /'pʌblɪk 'fəʊn/ |
| curious | /'kjʊəriəs/ | real | /ri:l/ |
| engaged | /m'geɪdʒd/ | reality | /ri:'ælti/ |
| extension | /ɪk'stenʃn/ | refuse | /rɪ'fju:z/ |
| graphic | /græfɪk/ | reporter | /rɪ'pɔ:tə(r)/ |
| designer | dɪ'zama(r)/ | tricked | /trɪkt/ |
| hang up | /hæŋ 'ʌp/ | warn | /wɔ:(r)n/ |
| homeless | /'həʊmləs/ | | |
| interpreter | /ɪn'tɜ:pɹətə(r)/ | | |

| | |
|----------------------------------|--------------------------------------|
| Be careful! | Go ahead. |
| called by this morning | Hang on. |
| Can I help you? | Hello, can you put me through to ... |
| Can you help me? | I can't get through. |
| Can you show me the way to ...? | I'm calling from ... |
| Could you wait a moment, please? | ring me back |
| cut me off | Who's calling, please? |

Unit 9

Grammar

☑ جملات پرسشی ضمیمه :

به جمله این فیلم ایرانی است، مگه نه؟ توجه نمایید. در زبان فارسی برای تاکید بر روی جملات پرسشی خود از عباراتی مانند (مگه نه) استفاده می کنیم. این عبارتها در زبان انگلیسی به Tag Question معروف بوده و جهت تایید کردن اطلاعات توسط مخاطب بیان می شوند. مثال:

This film is from Iran, **isn't it?**

این فیلم ایرانی است، مگه نه؟

جهت افزودن Tag Question که در این درس به آن جمله پرسشی ضمیمه خواهیم گفت، به قوانین زیر توجه نمایید:

- ۱- اگر جمله پایه، مثبت باشد، جمله پرسشی ضمیمه، منفی خواهد بود و برعکس.
- ۲ - جمله پرسشی ضمیمه با استفاده از فعل کمکی و در زمان رویداد جمله اصلی ساخته می شود.
- ۳ - جمله پرسشی ضمیمه همیشه بصورت مخفف نوشته می شود. مانند **isn't it**
- ۴ - در زمان حال ساده بجای ~~amn't~~ از **aren't I** برای جمله پرسشی ضمیمه استفاده می شود.

مثال :

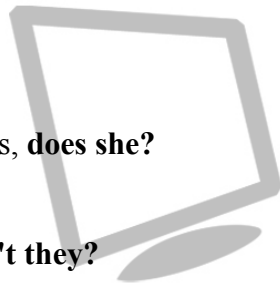
You know that man, **don't you?**

She doesn't know where the museum is, **does she?**

She didn't have a ticket, **did she?**

Mary wasn't at the theater, **was she?**

My friends were at the cinema, **weren't they?**



Ali will go to the museum with us, **won't he?**
 There won't be two films at the cinema, **will there?**
 You aren't going to the cinema, **are you?**

توجه : در جملات امری ، جمله پرسشی ضمیمه بصورت **will you?** به معنی (ممکنه؟) نوشته می شود. مثال:

Sit in that row, **will you?**
 Don't be late for the film, **will you?**

توجه : در جملاتی که با **Let's** آغاز شده باشند، جمله پرسشی ضمیمه بصورت **shall we?** نوشته می شود. مثال:

Let's go cinema, **shall we?**

تلفظ صحیح جملات پرسشی ضمیمه :

در **جملات پرسشی مثبت**، معمولاً پاسخ پرسش را نمی دانیم و هدف از پرسیدن سوال، دریافت پاسخ مناسب است. در این حالت جمله پرسشی را می بایست با آهنگ بالا ادا نماییم. به این صورت که در خاتمه جمله، صدا در اوج خود قرار بگیرد.

در **جملات پرسشی منفی**، قصد داریم تا پاسخ مثبت مخاطب را بدست آوریم. در این حالت جملات پرسشی را با آهنگ پایین ادا می کنیم. به این صورت که در خاتمه جمله، صدا در پایین ترین سطح خود قرار بگیرد. مثال :

You don't have a ticket to the cinema, **do you?**
 Yes, It's in my pocket.

It's a great music, **isn't it?**
 Yes, it's wonderful.

☑ زمان آینده کامل :

زمان آینده کامل، بیانگر عملی است که در زمان بخصوصی آغاز گشته و در زمان مشخصی از آینده کامل می شود. به عبارت دیگر در زمان آینده کامل، فعل قبل از کار دیگری که در آینده انجام می شود، تمام شده فرض می گردد. ساختار زمان آینده کامل بصورت زیر می باشد:

قید زمان + by/till + اسم مفعول + will have + فاعل

مثال:

I will have finished work by six o'clock.

من تا ساعت شش، کار را تمام کرده ام.

به ترکیبهای پرسشی و منفی زمان حال کامل توجه نمایید:

I won't have finished work by six o'clock.

Will you have finished work by six o'clock?

توجه: جملات زمان آینده کامل معمولاً به کلماتی از قبیل **by, till** به همراه قید زمان ختم می شوند. مثال:

I will have retired **by** the year 2020.

I won't have retired **till** the year 2020.

☑ جملات شرطی :

در زبان انگلیسی جملات شرطی از دو قسمت **if-clause** (شرط) و **main-clause** (پاسخ شرط) تشکیل می گردند.

به عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید توجه نمایید. در این عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی جمله شرطی (**if clause**) و عبارت به جوش می آید پاسخ شرط (**main clause**) خواهد بود.

☑ جملات شرطی حقیقی :

جملات شرطی حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیانگر یک واقعیت کلی بوده و همواره صحیح می باشند. مانند: (اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید)
 جملات شرطی حقیقی بصورت زمان حال ساده در هر دو قسمت (شرط) و (پاسخ شرط) نوشته می شود. مثال :

If you heat water to 100C, it boils.

If there is something good on, I usually stay in and watch TV.

If I eat too much, I gain weight.

توجه: برای بیان نصیحت یا توصیه دادن در خصوص امری، می توان از جملات امری و یا جملاتی که با **should** در زمان حال ساده آغاز شده باشند در قسمت پاسخ شرط، استفاده نمود. مثال:

If there's an accident, call the police.

If the road is flooded, don't try to drive.

If you cycle on a busy road, you should wear a helmet.

If you see a bear, you shouldn't run after it.

If there's a fire, what should we do?

☑ جملات شرطی غیر حقیقی:

جملات شرطی غیر حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیان آن با احتمال همراه است. جملات شرطی غیر حقیقی به سه نوع جملات شرطی نوع اول ، نوع دوم و نوع سوم تقسیم می شوند.

☑ جملات شرطی غیر حقیقی نوع اول:

جملات شرطی نوع اول به جملاتی دلالت دارد که احتمال رویدادی در آینده نزدیک را به شرط انجام فعلی در زمان حال بیان نماید. مثال:

If I have time, I will phone you.

اگر زمان داشته باشم به تو تلفن خواهم کرد

ساختار جملات شرطی نوع اول بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ در زمان آینده ساده , جمله شرط در زمان حال ساده

مثال :

If he studies hard, he will pass the exam.

اگر به سختی درس بخواند در آزمون قبول خواهد شد.

If I have time, I'll finish the homework this afternoon.

اگر فرصت داشته باشم، تمریناتم را این بعدازظهر تمام خواهم کرد.

همچنین می توان جملات شرطی نوع اول را بصورت زیر نیز بکار برد:

جمله شرط در زمان حال ساده if جمله پاسخ در زمان آینده ساده

مثال :

He will pass the exam if he studies hard.

در آزمون قبول خواهد شد اگر به سختی درس بخواند

I'll finish the homework this afternoon if I have time.

تمریناتم را این بعد ازظهر تمام خواهم کرد اگر فرصت داشته باشم

☑ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع دوم:

جملات شرطی نوع دوم، زمانی استفاده می شود که انجام جمله شرط برای گوینده فرضی و غیر ممکن باشد. (مثلا اگر چینی صحبت می کردم.... یا اگر خانواده اش می دانستند و ...)

ساختار جملات شرطی نوع دوم بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ زمان آینده در گذشته , جمله شرط زمان گذشته ساده if

مثال :

If I spoke Chinese, I would apply for that job.

اگر می توانستم چینی صحبت کنم، برای آن کار درخواست می دادم.

If her parents knew about her tattoo, they would be angry.

اگر خانواده اش خالکوبی را می فهمیدند، عصبانی می شدند.

توجه : در قسمت شرط جملات شرطی نوع دوم، بجای **was** معمولاً از **were** استفاده می شود. مثال:

If I were you, I wouldn't go there.

اگر بجای تو بودم، به آنجا نمی رفتم.

If he were rich, he could help you.

اگر او پولدار بود، می توانست به شما کمک کند.

توجه: عبارتهای **as long as, unless, when, as soon as, until** می توانند بجای **if** در قسمت شرط بکار روند. مثال:

I'll buy the camera **as long as** it's cheap.

I won't buy the camera **unless** it's cheap.

We'll buy a car **when** we've saved enough money.

We'll buy a car **as soon as** we've saved enough money.

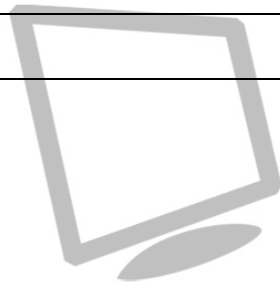
We won't buy a car **until** we've saved enough money.

📌 Vocabulary

| | | | |
|--------------|------------------|---------------|------------------|
| along | /ə'lɒŋ/ | obviously | /'ɒbvɪəsli/ |
| attitude | /'ætɪtʃʊd/ | outside | /aʊt'saɪd/ |
| autumn | /'ɔ:təm/ | phone book | /'fəʊn bʊk/ |
| backwards | /'bækwədz/ | phone box | /'fəʊn bɒks/ |
| blowing | /'bləʊɪŋ/ | phone call | /'fəʊn kɔ:l/ |
| boiling | /'bɔɪlɪŋ/ | pouring | /'pɔ:ɪŋ/ |
| clearly | /'kɪəli/ | probably | /'prɒbəbli/ |
| cloud | /klaʊd/ | run after | /'rʌn ɑ:ftə(r)/ |
| definitely | /'kɪləli/ | shining | /'ʃaɪnɪŋ/ |
| downhill | /'daʊn'hɪl/ | showers | /'ʃaʊəz/ |
| downwards | /'daʊnwədz/ | snowing | /'snəʊɪŋ/ |
| floods | /'flʌdz/ | soaking | /'səʊkɪŋ/ |
| forwards | /'fɔ:wədz/ | spring | /'sprɪŋ/ |
| freezing | /'fri:zɪŋ/ | stormy | /'stɔ:(r)mɪ/ |
| gales | /'geɪlz/ | summer | /'sʌmə(r)/ |
| heat wave | /'hi:t weɪv/ | towards you | /'təʊə:dz ju:z/ |
| hopefully | /'həʊpfəli/ | unfortunately | /ʌn'fɔ:tʃənətli/ |
| inside | /'ɪn'saɪd/ | uphill | /ʌp'hɪl/ |
| Internet | /'ɪntənət | upwards | /'ʌpwədz/ |
| connection | kənekʃn/ | windy | /'wɪndi/ |
| lightning | /'laɪtnɪŋ/ | winter | /'wɪntə(r)/ |
| mild | /'maɪld/ | | |
| mobile phone | /'məʊbaɪl 'fəʊn/ | | |

I agree with (you) that ...

I think we should ...



Unit 10

Grammar

☑ کاربرد Quantifier ها :

quantifiers (لغاتی که بیانگر کمیت و تعداد می باشند) به کلماتی اطلاق می شود که قبل از اسم (شمارشی یا غیر شمارشی) آمده و کمیت آنرا مشخص می کند. پرکاربردترین quantifier ها عبارتند از:

all(100%)

most(90%)

a lot of(80%) lots of(80%) many(80%) much(80%)

some(70%) any(70%)

a few(30%) a little(30%)

few(10%) little(10%)

none(0%)

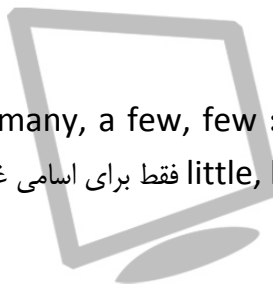
توجه: some به معنی چندتایی و مقداری ماقبل اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش در جملات مثبت بکار می رود. مثال:

I've got **some** oranges.I've got **some** water.

توجه: از آنجاییکه some تنها در جملات مثبت بکار می رود، بجای آن در جملات منفی و سوالی از any استفاده می شود. مثال:

I haven't got **any** apples.Have you got **any** bread?

توجه: many, a few, few فقط برای اسامی شمارشی و کلمات much, a little, little فقط برای اسامی غیر قابل شمارشی بکار می روند.



☑ کاربرد **much, many, a lot of** :

much به معنی **مقدار زیاد** ماقبل اسامی غیر قابل شمارش و در جملات منفی و سوالی بکار می رود. مثال:

How **much** water is there?
There isn't **much** water.

many به معنی **تعداد زیاد** ماقبل اسامی قابل شمارش جمع و در جملات منفی و سوالی بکار می رود. مثال:

How **many** oranges are there?
There aren't **many** eggs.

a lot of به معنی **تعداد و مقدار زیاد** بجای **much** و **many** ماقبل اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش و در جملات مثبت بکار می رود. مثال:

There are **a lot of** oranges.
There is **a lot of** water.

☑ کاربرد **too** :

too قبل از صفت به معنی **(خیلی، آنقدر زیاد)** بوده و به جمله مفهوم منفی می دهد. مثال:

The water is **too** cold.
آب آنقدر سرد است (که نمی توان در آن شنا کرد)
I can't drink this tea. It's **too** hot.
نمی توانم این چای را بنوشم، خیلی داغ است.

توجه : پس از **too** فعل جمله بصورت مصدر (با **to**) بکار می رود. مثال:

The water is **too** cold **to** swim.
The tea is **too** hot **to** drink.



توجه : اگر بخواهیم فعل جمله را به شخصی نسبت دهیم، پس از **too**، از **for** همراه با مفعول یا ضمیر مفعولی استفاده می کنیم.
مثال:

The water is **too cold for him to swim**.

The tea is **too hot for me to drink**.

It's **too dangerous for children to go swimming** at that beach.

☑ کاربرد **enough** :

enough قبل از صفت به معنی **(به اندازه کافی)** بوده و به جمله مفهوم مثبت می دهد. مثال:

He is old **enough** to go to school.

او به اندازه کافی بزرگ شده که به مدرسه برود.

It was warm **enough** to go to school.

به اندازه کافی هوا گرم شده که بتوانیم به مدرسه برویم.

☑ زمان حال کامل استمراری :

زمان حال کامل استمراری، بیانگر عملی است که در زمان بخصوصی از گذشته آغاز گشته و تا کنون بصورت مستمر ادامه داشته باشد. ساختار زمان حال کامل استمراری بصورت زیر می باشد:

قید زمان + for + ing + فعل + have/has + been + فاعل

مثال:

I have been learning English for a long time.

برای مدت طولانی به آموختن زبان انگلیسی پرداختم و تا کنون نیز ادامه دارد.

به ترکیبهای پرسشی و منفی زمان حال کامل توجه نمایید:

I haven't been learning English for a long time.
Has she been learning English for a long time?

توجه : همانگونه که در درسهای گذشته دیدیم، افعال غیر حرکتی معمولاً بصورت استمراری (ing دار) بکار برده نمی شوند. افعال غیر حرکتی یا state verbs افعالی هستند که برای نشان دادن حالتی بکار می روند. مانند متنفر بودن، دوست داشتن، ترجیح دادن و ...

مهمترین افعال غیر حرکتی عبارتند از :

Thinking & opinions: believe, feel, hate, know, like, love, prefer, think, understand, want

Sense: appear, feel, look, seem, smell, sound, taste

مثال:

I feel cold.

I see her.

David likes art and music.

Phil and Julie have three children.



📖 Vocabulary

| | | | |
|-------------------------------------|-----------------------|----------------------------|----------------|
| accept | /ək'sept/ | lid | /lɪd/ |
| almost | /ɔːlməʊst/ | market | /'mɑːkɪt/ |
| approximately | /ə'prɒksɪmətli/ | nearly | /'niəli/ |
| bag | /bæg/ | newsagent | /'njuːzɛɪɡənt/ |
| baker | /'beɪkə(r)/ | notice | /'nəʊtɪs/ |
| bargain | /'bɑːɡɪn/ | optician | /ɒp'tɪʃn/ |
| bin | /bɪn/ | owner | /'əʊnə(r)/ |
| bottle | /'bɒtl/ | packaging | /'pækɪdʒɪŋ/ |
| box | /bɒks/ | packet | /'pækɪt/ |
| build | /'bɪld/ | payment | /'peɪmənt/ |
| butcher's | /'bʊtʃə(r)z/ | plastic | /'plæstɪk/ |
| cardboard | /'kɑːdbɔːd/ | pot | /pɒt/ |
| carton | /'kɑːtən/ | price | /'praɪs/ |
| cashier | /'kæʃɪə(r)/ | produce | /'prɒdʒʊːs/ |
| complain | /'kəm'pleɪn/ | product | /'prɒdʌkt/ |
| complaint | /'kəm'pleɪnt/ | queue | /'kjuː/ |
| consumer | /'kɒn'sʊmə(r)/ | receipt | /'riːsɪt/ |
| cost | /'kɒst/ | recent | /'riːsənt/ |
| customer | /'kʌstəmə(r)/ | recently | /'riːsəntli/ |
| deliver | /'dɪ'lɪvə(r)/ | recycled | /'riː'saɪklɪd/ |
| department store | /'dɪpɑːtmənt stɔː(r)/ | reduced | /'riː'dʒʊːsd/ |
| extra | /'ekstrə/ | rubbish | /'rʌbɪʃ/ |
| good quality | /'gʊd 'kwɒlɪti/ | shopping mall | /'ʃɒpɪŋ mɔːl/ |
| goods | /'gʊdz/ | spares | /'speə(r)z/ |
| grocer | /'grəʊsə(r)/ | spend | /'spend/ |
| guarantee | /'gærən'ti/ | tin | /'tɪn/ |
| included | /'m'klʊːdɪd/ | tube | /'tjuːb/ |
| jar | /'dʒɑː/ | upgrade | /'ʌpɡreɪd/ |
| lately | /'leɪtli/ | wrapping | /'ræpɪŋ/ |
| free of charge | | I'm writing to explain ... | |
| I have ordered (books) from ... | | more or less | |
| I look forward to hearing from you. | | Yours sincerely, | |
| I placed the order ... | | | |

Unit 11

Grammar

☑ جملات پرسشی غیر مستقیم :

همانگونه که در درسهای گذشته دیدیم، عبارتهای اسمی یا Noun Clauses مجموعه ای از کلمات مرتبط با هم از قبیل فعل، فاعل و مفعول بوده که بعنوان اسم در جملات ظاهر می شوند. مثال:

I don't know **who the author is.**

برای اتصال جملات پرسشی yes/no به جملاتی از قبیل I don't know, Do you know, Could you tell me و ... از قوانین زیر پیروی می کنیم:

۱ - جمله را با یکی از عبارات مشابه زیر شروع می کنیم:

I don't know

I wonder

I'd like to know

Do you know

Could you tell me

Would you mind tell me

۲ - جمله پرسشی را از حالت سوالی خارج نموده و آنرا توسط if یا whether به جمله مورد نظر متصل می کنیم.

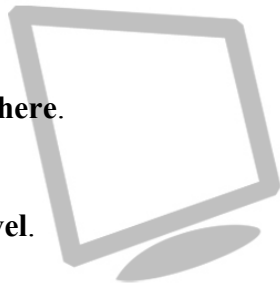
مثال :

Is it any good book here?

► I don't know **if it's any good book here.**

Did he like the novel?

► I wonder **whether he liked the novel.**



توجه: برای ارتباط جملات پرسشی با WH نیز مشابه قسمت قبل عمل کرده ولی بجای if یا whether از همان کلمه پرسشی WH استفاده می کنیم. مثال:

What's the book about?

► I don't know **what the book's about.**

☑ کاربرد جملات سببی :

جمله سببی یا Causative Sentence زمانی بکار می رود که در آن فاعل، انجام فعل را به شخص دیگری واگذار نماید. مثلا جمله **دادم اطاقم را تمیز کنند.** یک جمله سببی می باشد. در زبان انگلیسی برای نوشتن جملات سببی از افعال have و get بصورت زیر استفاده می کنند.

اسم مفعول + مفعول + have / get + فاعل

مثال:

I **got** my room cleaned.

دادم اطاقم را تمیز کنند.

They **got** their photos enlarged.

دادند عکسهایشان را بزرگ کنند.

She can **have** her film copied.

او می تواند بدهد فیلمش را کپی کنند.

We are **having** the office cleaned.

می دهیم دفتر را تمیز کنند.

I must **have** my hair cut.

باید بدهم موهایم را کوتاه کنند.

توجه : به جملات فوق که در آن فردی که انجام کار را به او واگذار می کنیم نامشخص است، جملات سببی مجهول گفته می شود. در جملات سببی معلوم، کننده کار مشخص است. ساختار جملات سببی معلوم بصورت‌های زیر می باشد:

مفعول + مصدر بدون **to** + شخص مورد نظر + **have** + فاعل

مفعول + مصدر با **to** + شخص مورد نظر + **get** + فاعل

مثال:

I **had** my brother paint my room.

I **got** my brother to paint my room.

دادم به برادرم اطاقم را رنگ کند.

توجه: می توان از کلماتی از قبیل **make, let** نیز بجای **have** در جملات سببی

معلوم استفاده نمود. مثال:

I **made** my brother help me finish the job.

توجه: می توان از کلماتی از قبیل **want, ask, request** نیز بجای **get** در

جملات سببی معلوم استفاده نمود. مثال:

I **ask** my brother to help me finish the job.

☑ ضمایر ربطی :

همانگونه که در درسهای گذشته دیدیم، ضمایر ربطی یا **Relative Pronouns**

مانند **who, what, when, where, that** ضمایری هستند که برای اتصال

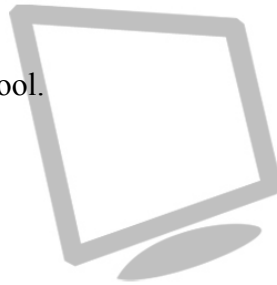
مابین جملات اصلی و جملات تابع بکار می روند. مثال:

Fred is the man.

Fred cleans the school.

► Fred is the man **who** cleans the school.

فرد مردی است که مدرسه را تمیز می کند.



Relative Clause یا موصول به دو دسته موصول وصفی و غیر وصفی تقسیم می شوند. در موصول وصفی، جمله پیرو جهت توضیحات بیشتر درخصوص جمله پایه بیان می شود. مانند:

I saw the author **who wrote that book**.

در این جمله اگر عبارت **who wrote that book** حذف شود، جمله از نظر مخاطب گویا نخواهد بود.

موصول غیر وصفی به جملاتی گفته می شود که جهت توضیحات بیشتر درخصوص جمله پایه بیان می شود ولی حذف آن تاثیر چندانی در درک مخاطب نخواهد داشت. مثال:

My sister, **who is from Barcelona**, speaks Castellano and Catalan.

Sam, **whose father is a doctor**, is studying French.

Edinburgh, **which is in the east of Scotland**, is a beautiful city.

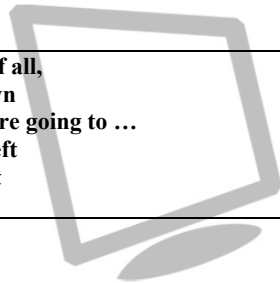
Edinburgh, **where we spent our holiday**, is a beautiful city.

The accident **happened on Tuesday**, when I was driving home.

همانطور که می بینید، بکار بردن علامت (,) قبل و بعد از موصول غیر وصفی، ضروری می باشد. همچنین در جمله موصول وصفی که در آن ضمیر ربط بصورت مفعولی در جمله نوشته می شود، می توان ضمیر ربط را حذف نمود. در صورتیکه ضمیر ربط در موصول غیر وصفی قابل حذف شدن نمی باشد.

📌 Vocabulary

| | | | |
|--|--------------------|---|---------------------|
| accident | /ˈæksɪdənt/ | medical | /ˈmedɪkl |
| alley | /æli/ | insurance | ɪnʃʊərəns/ |
| ancient | /ˈeɪnʃnt/ | miss | /mɪs/ |
| breakdown | /ˈbreɪkdaʊn/ | national park | /næʃənl ˈpɑːk/ |
| bridge | /brɪdʒ/ | necessary | /ˈnesɪsəri/ |
| canal | /kəˈnɑːl/ | need to | /ˈniːd tə/ |
| certificate | /səˈtɪfɪkət/ | ought to | /ɔːt tə/ |
| comfortable | /ˈkʌmfətəbl/ | pedestrian | /pəˈdestriən/ |
| crossroads | /ˈkrɒsrəʊdz/ | pill | /pɪl/ |
| day trip | /deɪ ˈtrɪp/ | point of interest | /pɔɪnt əv ˈɪntrest/ |
| dead-end street | /ded end ˈstriːt/ | reception | /rɪˈsepʃn/ |
| delicious | /dɪˈlɪʃəs/ | resort | /rɪˈzɔːt/ |
| delightful | /dɪˈlaɪtfl/ | room service | /ruːm sɜːvɪs/ |
| documents | /ˈdɒkjʊmənts/ | roundabout | /ˈraʊndəbaʊt/ |
| efficient | /ɪˈfɪʃənt/ | ruin | /ruːn/ |
| elegant | /ɪˈelɪɡənt/ | run out of | /rʌn ˈaʊt əv/ |
| exotic | /ɪɡˈzɒtɪk/ | secluded | /sɪˈkluːdɪd/ |
| finally | /ˈfɑːnəli/ | sightseeing | /ˈsaɪtsiːɪŋ/ |
| first aid kit | /fɜːst ˈeɪd kɪt/ | sun block | /sʌn blɒk/ |
| friendly | /ˈfrendli/ | taxi rank | /ˈtɑːksɪ ræŋk/ |
| get stuck | /get ˈstʌk/ | temple | /ˈtempl/ |
| guest house | /ˈgest haʊs/ | terrace | /ˈterəs/ |
| guide | /gaɪd/ | T-junction | /ˈtiːʤŋkʃn/ |
| however | /haʊˈevə(r)/ | town hall | /taʊn ˈhɔːl/ |
| injection | /ɪnˈdʒekʃn/ | unfortunately | /ʌn ˈfɔːtjənətli/ |
| insect repellent | /ˈɪnsɛkt rɪpelənt/ | vaccination | /væksɪˈneɪʃn/ |
| magnificent | /mæɡˈnɪfɪsənt/ | valuables | /ˈvæljəblz/ |
| | | wallet | /ˈwɒlɪt/ |
| | | youth hostel | /ˈjuːθ hɒstl/ |
| <p>At the end of ... continue along Do not disturb. Do you know where ...? Excuse me, can you tell me where ...? Excuse me, do you know if ...?</p> | | <p>First of all, go down If you're going to ... keep left on foot</p> | |



Unit 12

Grammar

بیان هدف و نتیجه :

because, in order that بیان هدف، منظور و نتیجه انجام کار می توان از کلمات because, in order that و ... استفاده نمود. مثال:

I scrolled down the page **because** I wanted to read the text.

من نوار اسکرول صفحه را پایین آوردم چون خواستم متن را بخوانم.

I clicked on that icon **in order that** I wanted to save the file.

من روی آن آیکون کلیک نمودم چون خواستم فایل را ذخیره کنم.

گاهی از مصدر افعال (to به همراه حالت اولیه فعل) برای بیان اهداف و نتیجه کار استفاده می شود. مثال:

I scrolled down **to read** the text.

من برای خواندن متن، اسکرول صفحه را پایین آوردم.

I clicked on that icon **to save** the file.

من برای ذخیره فایل روی آن آیکون کلیک کردم.

توجه : در پاسخ کوتاه به پرسشها نیز می توان از حالت فوق استفاده نمود. مثال:

Why did you click on that icon?

► **To save** the file.

کاربرد wish :

جملاتی که بیانگر آرزو و افسوس در زمانهای مختلف باشند، با عبارت I wish به معنی (ای کاش) آغاز می گردند. در ساختار این جملات همیشه فعل جمله یک زمان عقب تر از زمان مفهومی جمله نوشته می شود. مثال:

I **wish** my laptop were a little faster.

ای کاش لپ تاپ من مقداری سریعتر بود.

توجه : در این جملات معمولاً از **were** بجای **was** استفاده می شود. مثال:

I wish I weren't so tired.

توجه : برای بیان آرزو در زمان آینده از زمان آینده در گذشته استفاده می شود. مثال:

I wish it would rain.

ای کاش باران می بارید.

☑ کاربرد Clause ها :

Clause ها مجموعه ای از لغات هستند که بصورت یک جمله پیرو جهت بیان توضیحات بیشتر در خصوص جمله اصلی بیان می شوند. **Relative clause** را در درسها گذشته آموختیم. در این بخش به بررسی **Participle clause** می پردازیم.

Participle clause شامل دو دسته **-ing clause** و **-ed clause** بوده که **-ing clause** در حالت فعل معلوم و **-ed clause** در حالت فعل مجهول در جملات بکار می رود. به مثال زیر توجه نمایید:

Do you know the woman **talking to Tom**?

آیا خانمی که در حال صحبت با تام است را می شناسید؟

در این مثال، **talking to Tom** که جهت ادای توضیحات بیشتر به مخاطب ذکر گردیده، **-ing clause** می باشد.

-ing clause برای بیان توضیحات در زمان حال جهت جملاتی که بصورت همزمان با فاعل یکسان رخ دهند (و یا توضیحاتی که همواره معتبر هستند) بکار می رود. در اینگونه جملات، فعل جمله توضیحی بصورت استمراری (**-ing**) بعنوان توضیح جمله اصلی ذکر می گردد.

مثال:

Joe was playing football. He hurt his knee.

► Joe hurt his knee **playing football**.

We were feeling tired. I went to bed early.

► **Feeling tired**, I went to bed early.

Who were those people **waiting outside**?

(They were waiting)

I was woken up by a bell **ringing**.

(A bell was ringing)

The road **connecting the two villages** is very narrow.

(The road connects the two villages)

I have a large room **overlooking the garden**.

(The room overlooks the garden)

Can you think of the name of a flower **beginning with T**?

(The name begins with T)

-ed clause - برای بیان توضیحات در زمان گذشته جهت جملاتی که غیر همزمان با

فاعل یکسان رخ دهند، بکار می رود. در اینگونه جملات، فعل جمله توضیحی در حالت

مجهول بصورت اسم مفعول بعنوان توضیح جمله اصلی ذکر می گردد. مثال:

The boy **injured in the accident** was taken to hospital.

(He was injured in the accident)

George showed me some pictures **painted by his father**.

(They had been painted by his father)

The police never found the money **stolen in the robbery**.

Most of the goods **made in this factory** are exported.

توجه: هنگامی از **-ed clause** و **-ing clause** استفاده می کنیم که فاعل هر

دو جمله اصلی و پیرو، یکسان باشد.

☑ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع سوم:

جملات شرطی نوع سوم، زمانی استفاده می شود که انجام جمله شرط فقط در زمان گذشته امکان انجام داشته ولی انجام نگرفته باشد. (مثلا اگر چینی صحبت کرده بودم.... یا اگر خانواده اش دانسته بودند و ...)

ساختار جملات شرطی نوع سوم بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ آینده کامل در گذشته , جمله شرط گذشته کامل if

مثال :

If I had had a cell phone, I could have called you.

اگر یک گوشی موبایل داشته بودم، می توانستم با تو تماس بگیرم.

She wouldn't have been late if she had checked the map.

او دیر نمی کرد اگر نقشه را چک کرده بود.



📌 Vocabulary

| | | | |
|----------------|------------------|-----------------|------------------|
| adventure | /əd'ventʃə/ | murderer | /'mɜ:dərə/ |
| anyway | /'eni:weɪ/ | organized | /'ɔ:gənəraɪzd/ |
| because | /bɪkəʊz/ | plot | /plɒt/ |
| best-seller | /'best 'selə(r)/ | possibility | /'pɒsɪ'bɪlɪti/ |
| corrupt | /'kɒ'rʌpt/ | promise | /'prɒmɪs/ |
| decision | /'dɪ'sɪʒn/ | refuse | /'rɪfjuɪz/ |
| die | /daɪ/ | result | /'rɪ'zʌlt/ |
| fantasy | /'fæntəsi/ | romance | /'rəʊ'maens/ |
| fiction | /'fɪkʃn/ | save | /seɪv/ |
| genre | /'ʒɒnrə/ | saying | /'seɪɪŋ/ |
| glad about | /'glæd əbaʊt/ | science fiction | /'saɪəns 'fɪkʃn/ |
| hope | /həʊp/ | set of | /'set əv/ |
| horror | /'hɒrə/ | shoot | /ʃu:t/ |
| innocent | /'mæsənt/ | survival | /sə'vaɪvl/ |
| (in order) to | /'ɪn 'aʊdə tə/ | textbook | /'tekstbʊk/ |
| invest | /'ɪn'vest/ | trick | /trɪk/ |
| investigate | /'ɪn'vestɪgət/ | trouble | /'trʌbl/ |
| manual | /'mænjəl/ | valuable | /'væljəbl/ |
| moral | /'mɒrəl/ | western | /'westən/ |
| murder mystery | /'mɜ:də 'mɪstri/ | wish | /wɪʃ/ |

| | |
|--------------------------------|------------------------------|
| I hope one day I'll have a ... | I'm glad I haven't got a ... |
| I wish I didn't ... | I'm glad I've got a ... |
| I wish I had a ... | It's about a ... |
| I wouldn't have done that. | Really? |

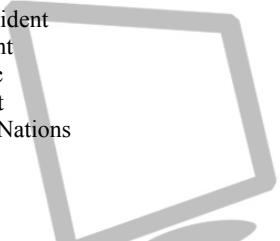
English Result Intermediate

📌 Topic wordlist

| | |
|---|---|
| <p>☑️The people in your life acquaintance aunt best friend boss (brother)-in-law colleague cousin ex-(wife) flatmate neighbour nephew niece parents step-(father) uncle widow widower</p> | <p>☑️Position at the back (of the room) at the front (of ...) behind (the girl) in front (of the girl) in the middle (of ...) on the left (of ...) on the right (of ...) to the left (of ...) to the right (of ...)</p> |
| | <p>☑️Misunderstandings I don't understand I meant ... I thought you said ... Oh, I see! Pardon? Sorry, I misunderstood</p> |
| <p>☑️Greetings your language bow hug (each other) kiss (each other on the cheeks) put your hand on the other person's shoulder shake hands (with each other) wave (to each other)</p> | <p>☑️People and places age continent country environment ethnic background gender nationality region religion tradition tourist attraction</p> |

English Result Intermediate

Topic wordlist

| | |
|--|--|
| <p>☑Time expressions a bit later a couple of years ago after at first before during the first week finally first time for a moment for a while in the end in the evening next time the second week then when I returned</p> | <p>☑Hospitality phrases Don't worry about ... Help yourself to ... I'll (take your coat) if you like Do you need anything? Is everything all right? Just leave your bag (on the sofa) Shall I ...? Why don't you ...? Would you like me to ...?</p> |
| <p>☑School words assembly canteen playground</p> | <p>☑Types of film action film comedy drama fantasy film musical romance science fiction</p> |
| <p>☑Achievement words achieve achievement fail give up keep doing (something) manage to pass succeed success successful</p> | <p>☑Politics capital conservative democracy election head of state national political the president represent republic socialist United Nations</p>  |

English Result Intermediate

📌 Topic wordlist

| | |
|---|---|
| <p>☑️ Permission words allow forbid permit prohibit</p> | <p>☑️ Behaviour bully friendly helpful kind naughty noisy nosy polite rough rude swear well-behaved</p> |
| <p>☑️ War words army battle confess enemy evil protect rebel (vb) rebel (n)</p> | <p>☑️ Character active aggressive ambitious artistic confident generous imaginative kind lively nervous serious shy unfriendly well-known well-mannered</p> |
| <p>☑️ Extreme adjectives amazing awful brilliant dreadful enormous exhausted fantastic furious terrible terrified wonderful</p> | |

English Result Intermediate

📌 Topic wordlist

| | |
|---|---|
| <p>☑ Looks (bushy) eyebrows clean-shaven curly (hair) fashion-conscious fringe ginger (hair) good-looking high forehead loose-fitting moustache old-fashioned round face shoulder-length (hair) straight (hair) wavy (hair) well-dressed</p> | <p>☑ Reporting verbs offer (to) refuse (to) promise (to) warn (somebody to)</p> |
| <p>☑ Age in her teens in his late twenties in his mid thirties in his seventies</p> | <p>☑ Weather blowing boiling cloud floods freezing gales heat wave lightning mild pouring shining showers snowing soaking stormy windy</p> |
| <p>☑ Phone break down call by cut (me) off get away from (I can't) get through hand (somebody) over to somebody hang on hang up Hello, can you put me through to ... ring (me) back</p> | <p>☑ Direction of movement along backwards downhill downwards forwards inside outside towards you uphill upwards</p> |

English Result Intermediate

Topic wordlist

| | |
|--|---|
| <p>☑Packaging bag bottle box can carton jar lid packet pot tin tub tube</p> | <p>☑Health emergency first aid kit injection insect repellent local foods medical insurance mosquito net pill sun block tap water vaccination (certificates)</p> |
| <p>☑Shopping available bargain deliver replace sale upgrade voucher</p> | <p>☑Travel problems get lost get stopped for speeding get stuck (have a) flat tyre (have a) breakdown (have an) accident lose your wallet lose your way lose your ticket miss your plane miss your stop miss your turning run out of petrol run out of money</p> |
| <p>☑Accommodation adjectives comfortable delicious delightful efficient elegant friendly magnificent secluded</p> |  |

منابع و مراجع

- Mark Hancock & Annie McDonald, English Result Intermediate, Oxford University Press 2010
- Raymond Murphy, English Grammar in Use 3rd Edition, Cambridge University Press 2010
- Joan Saslow & Allen Ascher, Top Notch Level 2, Pearson Longman 2006
- Alireza Motamed, TDictionary, TahlilGaran 2012
- Alireza Motamed, PersianVi Intermediate, TahlilGaran 2010

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی

تحلیگر

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، برنامه ای جهت ارتقای مهارتهای زبان انگلیسی بصورت خودآموز و براساس زمانبندی دلخواه شما می باشد. مطالعات نشان داده اند آموزش از راه دور همان انگیزشی که در کلاسهای سنتی وجود دارد را فراهم آورده و درکل نود درصد سریعتر از آموزش انفرادی نتیجه می دهد.

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، پاسخی است به نیاز کسانی که جهت صرفه جویی در وقت و هزینه ، تمایلی به شرکت در کلاسهای درسی ندارند. همچنین این برنامه آموزشی مناسب افرادی می باشد که قصد دارند در حین کار و تحصیل به مطالعه و آموختن زبان دوم بپردازند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی گروه آموزشی انتشارات تحلیگران مراجعه نمایید:
www.TahlilGaran.org